رسالة
في
اللباس المشكوك

آیت الله العظمی
شیخ ضیاء الدین عراقی

بسم الله الرحمن الرحیم

احکام المیاه

کاتب:

محمدرضا نجفی

نشرت فی الطباعة:

مرکز تحقیقات رایانه ای حوزه علمیه اصفهان

رقمی الناشر:

مرکز القائمیة باصفهان للتحریات الکمبیوتریة

الفهرس

احکام المیاه

اشارة

نام کتاب: أحکام المیاه موضوع: فقه استدلالی نویسنده: اصفهانی، محمد رضا، آقا نجفی تاریخ وفات مؤلف: ۱۳۶۲ ه ق زبان: عربی قطع: وزیری تعداد جلد: ۱ ناشر: انتشارات مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان تاریخ نشر: ۱۴۲۹ ه ق نوبت چاپ: اول مکان چاپ: اصفهان- ایران شابک: ۸- ۴- ۹۶۵۶۷- ۹۶۴- ۹۷۸ مقرر: زنجانی، سید احمد حسینی تاریخ وفات مقرر: ۱۳۹۳ ه ق محقق/ مصحح: مهدی باقری سیانی- بخش احیاء تراث مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان ملاحظات: این کتاب در" میراث حوزه اصفهان "دفتر چهارم چاپ شده است

مقدّمه [محقق]

اشارة

أحکام المیاه

«تقریرات درس علّامهٔ فقیه شیخ محمّد رضا نجفی اصفهانی»

«به قلم: آیهٔ اللّه سید احمد حسینی زنجانی»

تحقیق و تصحیح: مهدی باقری سیانی

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم

رسالهٔ حاضر که به انشای دلپذیر فقیه وارسته آیهٔ اللّه سید احمد حسینی زنجانی سمتِ تحریر پذیرفته قسمتی از تقریرات فقهی علّامه ذو فنون آیهٔ اللّه العظمی شیخ محمّد رضا نجفی اصفهانی است و به دوران حضور وی در حوزهٔ علمیّهٔ قم (به سال ۱۳۴۶ قمری مطابق با ۱۳۰۶ شمسی) بازمی‌گردد. ما در این مقال ابتدا متذکّر معنای تقریرات، تاریخ پیدائی و نکاتی دربارهٔ آن گردیده، سپس به اختصار، به معرّفی علّامهٔ نجفی، آیهٔ اللّه زنجانی و إیراد سخنی دربارهٔ این اثر می‌پردازیم.

الف: دربارهٔ تقریرات

تقریرات عنوانی است که بخشی کلان از میراث علمی دانشمندان و عالمان شیعی

أحکام المیاه، ص: ۲۶

را- بویژه در گسترهٔ دانش فقه- دربرمی‌گیرد. جان کلام بزرگ کتاب‌شناس شیعه، مرحوم علّامه آقا بزرگ طهرانی، در این باره چنین است: «تقریرات عنوانی است که در پایان قرن دوازدهم هجری و پس از آن رایج گردید و از برخی جهات شبیه به أمالی- در کتب حدیثی و در اصطلاح قدما- است و از جهاتی نیز با آن اختلاف دارد.

نحوهٔ پیدائی تقریرات، این چنین بوده که استاد در مجلس درس مطالبی را با تکیه بر حافظهٔ خویش و یا از روی کتاب برای شاگردان مطرح می‌نموده و آن‌ها مطالب استاد را یادداشت می‌کرده (خواه در مجلس درس یا پس از آن) و گاه آن مطالب را، مورد نقد و بررسی قرار می‌داده و نظر خویش را نیز ذکر می‌نموده و مجموع آن را در کتاب یا رساله‌ای به عنوان تقریرات و به نام خویش منتشر می‌کردند.» «۱» علّامهٔ طهرانی در ادامه، بیش از صد کتاب را با نام «تقریرات» ذکر می‌کند.

البتّه تذکّر این نکته لازم و ضرور است که بخشی انبوه از این تقریرات در گذر زمان دستخوش حوادث گردیده و به ما نرسید است،

و این مطلب آنگاه نمود بیش‌تری می‌یابد که توجّه کنیم بزرگانی چون شیخ أعظم انصاری، مجدّد شیرازی و آخوند خراسانی در دوره‌های درسی خویش شاگردان فاضل فراوانی داشته‌اند که بسیاری از آنان خود را به نوشتن تقریرات درس استاد مقیّد می‌دانسته‌اند. «۲»

ب: حیات علمی و اجتماعی علّامهٔ نجفی اصفهانی

اشارهٔ

علّامهٔ ذو فنون، فقیه و اصولی نامدار، متکلّم و ادیب برجسته، آیهٔ اللّه العظمی ابو المجد شیخ محمّد رضا نجفی اصفهانی- که از نوابغ روزگار و مفاخر علمی شیعه

---

(۱)- الذّریعهٔ، ج ۴، ص ۳۶۶- ۳۶۷.

(۲)- نمونه را، نگر: هدیهٔ الرّازی، ص ۴۹- ۱۷۷.

أحکام المیاه، ص: ۲۷

و مدرّسان بزرگ حوزهٔ علمی اصفهان بوده- از چنان شهرت و آوازه‌ای برخوردار است که وی را بی‌نیاز از معرّفی می‌سازد و ما در این مقام تنها به ذکر چند نکته بسنده می‌نمائیم:

۱- تولّد و خاندان

وی در بیستم ماه محرّم ۱۲۸۷ هجری قمری در نجف اشرف به دنیا آمد. «۱» پدر وی، علّامهٔ، فقیه آیهٔ اللّه شیخ محمّد حسین اصفهانی، صاحب تفسیر گرانسنگ مجد البیان می‌باشد که محدّث قمی از وی با این تعبیرات یاد می‌کند «عالم ربّانی و فاضل صمدانی، وحید بلا ثانی، جامع کمالات نفسانیّه در علم و عمل، شیخ مجاهدین و أفضل سالکین ...» «۲»
جدّ وی، فقیه و اصولی بزرگ، آیهٔ اللّه العظمی شیخ محمّد باقر نجفی اصفهانی، از چهره‌های نامور حوزهٔ علمیّهٔ اصفهان، از موفّق‌ترین کسان در رسیدگی به محرومان اجتماع در عصر خویش، و از شاگردان خصوصی شیخ اعظم انصاری، و نیز صاحب آثاری چون شرح هدایهٔ المسترشدین «۳» است «۴»؛ فقیه محقّق و اصولی بزرگ مرحوم علّامه میرزا محمّد حسین نائینی که در ایّام حضور خود در اصفهان در شمار نزدیکان شیخ محمّد باقر بوده و در بیرونی منزل وی سکونت داشته، راجع به حالات عبادی استاد خویش نقل می‌کند که وی در شب‌های ماه مبارک رمضان در قنوت نماز شب خویش با اشک و آه بر دعای ابو حمزه ثمالی مداومت داشته است. «۵»

---

(۱)- نقباء البشر، ج ۲، ص ۷۴۸.

(۲)- فوائد الرّضویهٔ، ۵۲۹.

(۳)- این کتاب در سال ۱۳۸۵ شمسی به اهتمام نگارندهٔ این سطور به زیور طبع آراسته گردید.

(۴)- شرح حال وی را نگر در: قبیلهٔ عالمان دین، ص ۴۰- ۶۲؛ شرح هدایهٔ المسترشدین، ص ۱۵- ۵۴.

(۵)- نگر: مجلّهٔ حوزه، شمارهٔ ۳۰، ص ۳۹- ۴۰ (مصاحبه با مرحوم آیهٔ اللّه سیّد محمّد- حسینی همدانی صاحب تفسیر انوار درخشان).

أحکام المیاه، ص: ۲۸

جدّ أعلای وی، علّامهٔ فقیه و اصولی نامدار، آیهٔ اللّه العظمی شیخ محمّد تقی رازی نجفی اصفهانی، است که از اسطوانه‌های علمی شیعه، به شمار می‌رود و کتاب هدایهٔ المسترشدین وی پیوسته مورد توجّه و رجوع عالمان و دانشمندان اصول‌اندیش و اصول‌آموز بوده «۱» و صاحب روضات الجنّات از وی با تعابیری چون «خاتمهٔ المجتهدین و رئیس الموحّدین» یاد می‌کند «۲».

۲- تحصیلات و استادان

علّامه شیخ محمّد رضا نجفی نه سال آغازین عمر را در نجف اشرف گذرانده و سپس همراه پدر ارجمندش به سمت اصفهان رهسپار گشته و پس از درنگی پنج‌ساله در این شهر در سن ۱۴ سالگی دوباره به نجف هجرت نموده است و به مدت ۳۲ سال در این شهر مقدّس ماندگار گشته و توشه‌های ارجمند از علوم مختلف عصر خویش مانند فقه، اصول، حدیث، تفسیر، علم عروض، فنّ شعر و ... فراهم آورده است. برخی از استادان وی عبارتند از حضرات آیات:

سیّد محمّد فشارکی، ملّا محمّد کاظم خراسانی (صاحب کفایهٔ الأصول)، سیّد محمّد کاظم یزدی (صاحب العروهٔ الوثقی)، حاج آقا رضا همدانی (صاحب مصباح الفقیه)، سیّد اسماعیل صدر، شیخ الشرعیهٔ اصفهانی (صاحب إفاضهٔ القدیر فی أحکام العصیر)، شیخ محمّد حسین اصفهانی (صاحب تفسیر مجد البیان)، میرزا حسین نوری (صاحب مستدرک الوسائل)، سیّد مرتضی کشمیری، علّامه سیّد ابراهیم قزوینی، علّامهٔ میرزا حبیب اللّه اراکی، علّامه سیّد جعفر حلّی و ...

---

(۱)- شرح حال وی را نگر در: قبیلهٔ عالمان دین، ص ۱۱- ۴۰؛ گلشن اهل سلوک، ص ۳۳- ۶۷؛ رسالهٔ صلاتیه، ص ۲۵- ۵۸.

(۲)- علماء الأسرهٔ، ص ۱۸۰، و نیز نگر: روضات الجنّات، ج ۲، ص ۱۲۳.

أحکام المیاه، ص: ۲۹

۳- آثار و تألیفات

وی در میدان تألیف و آفرینش آثار ارزشمند از توفیقاتی بلند برخودار بوده است.

گسترهٔ آثار وی در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی چون فقه، اصول، عرفان، فلسفه و کلام، ادبیّات عرب، حدیث، تراجم و ... قابل دقّت و بررسی است. وی در اصول فقه دارای شاهکاری بس بلند چون «وقایهٔ الأذهان» است و در ادبیّات عرب صاحب بنیانی رفیع چون «السیف الصنیع» «۱»، در کارنامهٔ خویش دربارهٔ عرفان و معارف إلهی اثری چون «رسالهٔ أمجدیّه» دارد و در مباحث فقهی خالق آثاری چون «نجعهٔ المرتاد» و «ذخائر المجتهدین» «۲» است. در میدان فلسفه و کلام نظریهٔ داروین را به نقد می‌کشد و «نقد فلسفهٔ داروین» را عرضه می‌نماید. در تراجم، مالک «حلّی الدّهر العاطل» است که بزرگانی چون محدّث قمی، آقا بزرگ طهرانی، و شیخ علی کاشف الغطاء از آن در آثار خود بهره برده‌اند. «۳»

۴- شاگردان

علّامهٔ نجفی پس از فراهم آوردن توشه‌ای بس گران‌قدر از حضور در درس درخشان‌ترین چهره‌های علمی نجف اشرف، بر کرسی تدرسی تکیه زد و انبوهی از تشنگان معارف اهل البیت: را از چشمهٔ فیّاض و جوشان کلام و بیان خویش سیراب نمود.

---

(۱)- نگارنده را دربارهٔ این اثر و مؤلّف آن، مقاله‌ای است به نام «ز آنکه شمشیر آشنائی می‌زند»؛ نگر: آینهٔ پژوهش، شمارهٔ ۱۰۱.

(۲)- متأسّفانه این اثر بسیار ارزشمند مفقود می‌باشد.

(۳)- برای کتاب‌شناسی آثار مرحوم علّامهٔ نجفی نگر: السیف الصنیع، ص ۲۵- ۲۸.

أحکام المیاه، ص: ۳۰

شاگردان وی را در دو حوزه می‌توان سراغ کرد: حوزهٔ علمی اصفهان، حوزهٔ علمیّهٔ قم.

وی از زمان ورود به اصفهان (محرّم الحرام ۱۳۳۴ قمری) تدریس را آغاز کرد و این درس و بحث پرثمر تا پایان عمر وی (سال ۱۳۶۲) به مدّت ۲۸ سال بدون وقفه ادامه داشت. محقّق فرزانه مرحوم سیّد مصلح الدّین مهدوی در کتاب «تاریخ علمی اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر» از حدود یک‌صد و پنجاه نفر از شاگردان وی در این دوره نام می‌برد که برخی از آنان عبارتند از حضرات آیات: شیخ احمد فیاض فُروشانی، شیخ حَیدر علی محقّق، شیخ عبّاسعلی ادیب حبیب‌آبادی، شیخ علی مشکاهٔ سِدِهی، سیّد مجتبی میر محمّد صادقی، سیّد مصطفی مهدوی هُرِستانی.

وی پس از هجرت به قم حدود یک سال در این شهر می‌ماند و به اصرار دوست فرزانهٔ خویش، مؤسّس حوزهٔ علمیّهٔ قم، مرحوم حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، حوزهٔ تدریس تشکیل می‌دهد. شاگردان وی در این دوره عدّه‌ای از طلّاب فاضل آن زمان بودند که بعدها هریک به مقامات بلند علمی و دینی نائل گشتند، از آن جمله حضرات آیات عظام: امام خمینی، سیّد محمّد رضا گلپایگانی، سیّد شهاب الدّین مرعشی نجفی، حاج آقا رضا مدنی کاشانی، سیّد احمد زنجانی، میرزا محمّد ثقفی طهرانی، شیخ محمّد باقر کمره‌ای، حاج میرزا خلیل کمره‌ای.

۵- تقریرات

همان‌گونه که در مقدّمه گذشت، «تقریرات» قسمتی از میراث علمی شیعه را تشکیل می‌دهد. برخی از شاگردان علّامهٔ نجفی نیز تقریرات استاد خویش را نگاشته‌اند. این عدّه عبارتند از حضرات آیات: شیخ محمّد باقر نجفی، شیخ حیدر علی محقّق، سیّد عطاء اللّه فقیه امامی «۱»، سیّد احمد حسینی زنجانی (نویسندهٔ تقریرات حاضر) «۲».

---

(۱)- نگر: قبیلهٔ عالمان دین، ص ۱۱۱؛ گلشن اهل سلوک، ص ۱۳۳.

(۲)- نگر: الذریعهٔ، ج ۱۱، ص ۱۰۰، شمارهٔ ۶۱۳.

أحکام المیاه، ص: ۳۱

۶- علّامهٔ نجفی از نگاه دیگران

علّامهٔ فقیه آیهٔ اللّه العظمی سیّد حسن صدر کاظمی با چنین تعابیرین از وی یاد می‌کند: «الفاضل النبیل، نابغهٔ العصر و وحید الدهر، الفقیه علی التحقیق و المحقّق لکلّ غامض دقیق ...» «۱»

مؤسّس حوزهٔ علمیّهٔ قم مرحوم آیهٔ اللّه العظمی حاج شیخ عبد الکریم حائری یزدی، می‌فرماید: «اگر آقا شیخ محمّد رضا ذی فنون نبود شیخ مرتضای زمان ما بود» «۲» و یا «آقا شیخ محمّد رضا، شیخ بهائی زمان ما می‌باشد» «۳».

بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، در اربعین حدیث خویش می‌فرماید: «... الشیخ العلّامهٔ المتکلّم الفقیه الأصولیّ الأدیب المتبحّر الشّیخ محمّد رضا آل العلّامهٔ الوفی الشیخ محمّد تقی الأصفهانی- ادام اللّه توفیقه- ...» «۴». «۵»

۷- وفات

سرانجام این فقیه و اصولی نامور در بامداد روز یکشنبه ۲۴ محرّم الحرام ۱۳۲۶ قمری، پس از عمری پربار که به سرپرستی ایتام آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و ترویج احکام و معارف

(۱)- نجعهٔ المرتاد (میراث حوزهٔ اصفهان، دفتر أوّل) ص ۳۲۷.

(۲)- رسالهٔ أمجدیه، ص ۲۷.

(۳)- همان، و نیز نگر: مجلهٔ حوزه، شمارهٔ ۵۳، ص ۴۷.

(۴)- اربعین حدیث (امام خمینی)، ص ۳.

(۵)- سخنان بزرگان در توصیف مقام علمی و ادبی وی را نگر در: مقدمهٔ السیف الصنیع، ص ۲۲- ۲۵ و گلشن اهل سلوک، ص ۱۲۱- ۱۲۵.

أحکام المیاه، ص: ۳۲

إلهی سپری شد، رخت از جهان به سرای آخرت کشید و پس از تشییعی عظیم در تکیهٔ جدّ بزرگوار (صاحب هدایهٔ المسترشدین) خویش به خاک سپرده شد. «۱»

ج: حیات علمی و اجتماعی آیهٔ اللّه سیّد احمد حسینی زنجانی

اشارهٔ

فقیه و اصولی بزرگ، ادیب نامدار، حضرت آیهٔ اللّه سیّد احمد حسینی زنجانی، یکی از چهره‌های درخشان حوزهٔ علمی زنجان و قم در قرن چهاردهم هجری است. وی با اخلاق و رفتار إلهی خویش مصداق «من یذکّرکم اللّه رؤیته» «۲» بود و در برآوردن حوائج برادران دینی از هیچ کوششی فروگذار نمی‌نمود.

ما در این مجال کوتاه به ذکر نکاتی از زندگی و حیات وی اکتفا نموده و خواننده را به مآخذ شرح حال وی ارجاع می‌دهیم.

۱- تولّد و خاندان

وی در هنگام ظهر چهارمین روز از ماه صفر المظفّر ۱۳۰۸ هجری قمری در زنجان چشم به جهان هستی گشود. پدرش مرحوم سیّد عنایت اللّه، از شاگردان و نزدیکان فقیه نامور خطّهٔ زنجان، آخوند ملّا قربانعلی زنجانی (متوفّای ۱۳۲۸ قمری)، «۳»، بوده. از نظر تقوا و ملکات نفسانی از افراد کم‌نظیر و در حسن نیّت و تقیّد به جهات شرع، بسیار ممتاز بوده است. «۴»

۲- تحصیلات و استادان

وی بسیاری از علوم متداول عصر خویش را در زادگاهش زنجان فراگرفت و برای

(۱)- دربارهٔ مدفونان در این بقعه نگر: کتاب گلشن اهل سلوک.

(۲)- الکافی، ج ۱، ص ۳۹، ح ۳.

(۳)- دربارهٔ این فقیه مجاهد نگر: سلطنت علم و دولت فقر اثر علی ابو الحسنی «منذر».

(۴)- مجلهٔ نور علم شمارهٔ ۲۶، ص ۱۱۳؛ تربت پاکان قم، جواهر کلام، ج ۱، ص ۳۳۷.

أحكام المياه، ص: ۳۳

تكميل تحصيلات خويش، سفرى به مشهد مقدّس نمود و از آن پس به شهر مقدّس قم كوچيد و تا پايان عمر در آنجا بماند و از استادان بنام آن روز، بهره‌ها برد.

برخى از استادان وى در زنجان عبارتند از حضرات آيات: شيخ زين العابدين زنجانى، ميرزا عبد الرّحيم فقاهتى، ميرزا ابراهيم فلكى حكمى زنجانى، آقا شيخ عبد الحريم خوئينى زنجانى، ميرزا احمد زنجانى، حاج سيّد حسن زنجانى.

وى در مشهد مقدّس در درس مرحوم آية اللّه آقا محمّد آقازاده، فرزند صاحب كفاية الأصول، حاضر شد و تقريرات اين درس را نگاشت.

در شهر مقدّس قم در درس آية اللّه مؤسّس حائرى شركت نمود و تقريرات اين درس را در مجموعه‌اى به نام «أفواه الرجال» نگاشت. «۱» وى همچنين در درس آية اللّه ميرزا محمّد صادق خاتون‌آبادى و آية اللّه حاج شيخ محمّد رضا نجفى اصفهانى شركت نمود.

۳- آية اللّه زنجانى در كلام ديگران

علّامه آقا بزرگ طهرانى دربارۀ وى مى‌فرمايد: «عالم مصنّف ورع تقى» «۲». و مرحوم آية اللّه العظمى شيخ محمّد على اراكى در مورد مقام علمى و حافظۀ فوق العاده وى مى‌فرمودند: «آقاى زنجانى يك‌شبه تمام قسمت صلاۀ از يك كتاب فقهى را از حفظ حاشيه زد. شش جلد جواهر «۳» مانند انگشتر در دست‌هاى ايشان است كه آن را به هر طرف كه بخواهد مى‌گرداند». «۴»

---

(۱)- نگر: الذريعۀ، ج ۱۱، ص ۱۰۰، شمارۀ ۶۱۳؛ آشنائى با چند نسخۀ خطّى، ۱۶۰.

(۲)- نقباء البشر، ج ۱، ص ۱۱۶، شمارۀ ۲۵۶.

(۳)- جواهر الكلام مفصل‌ترين شرح بر شرايع الاسلام است. طبع حجرى آن در ۶ مجلد بوده و اوّلين طبع حروفى آن در ۴۳ جلد مى‌باشد كه اخيرا با تحقيقى شايسته، توسط مؤسّسۀ نشر اسلامى وابسته به جامعۀ مدرّسين حوزۀ علميّۀ قم، شانزده جلد از آن به زيور طبع آراسته گرديده است.

(۴)- مجلّۀ نور علم، شمارۀ ۲۶، ص ۱۱۷.

أحكام المياه، ص: ۳۴

۴- آثار و تأليفات

آثار اين فقيه فرزانه كه در رشته‌هاى مختلف علوم اسلامى است در مجموع به ۶۰ عنوان مى‌رسد «۱» و برخى از آن‌ها عبارتند از:

۱- أفواه الرجال- كه تقريرات فقهى قم به اضافۀ تقريرات درس مرحوم آية اللّه شيخ محمّد آقازاده در مشهد مقدّس مى‌باشد.

۲- اربعين حديث در چهار جلد.

۳- الكلام يجرّ الكلام- كه چهار مجلد است و تنها دو جلد اوّل آن چاپ شده است.

اين اثر بسيار ارزشمند و خواندنى، سال‌هاست كه در بازار كتاب ناياب است. اميد است كه صاحب همّتى سلسله‌جنبان شده به نشر آن دست يازد.

۴- مستثنيات الأحكام- كه در سال ۱۳۶۸ به چاپ رسيد است.

۵- ايمان و رجعت.

۶- ۱۰- حواشی بر درر الاصول، فرائد الاصول، کفایة الاصول، عروة الوثقی، و وسیلة النجاة. «۲»

۵- وفات

سرانجام این فقیه وارسته پس از ۸۵ سال عمر با برکت پس از نیمه شب ۲۹ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۹۳ قمری مطابق با پنجم آبان ۱۳۵۲ شمسی، در شهر مقدّس قم دیده از جهان خاکی فروبست و پس از تشییع جنازه‌ای باشکوه در جوار حضرت معصومه علیها السّلام به خاک سپرده شد. «۳»

---

(۱)- همان: ۱۲۶.

(۲)- برای کتاب‌شناسی علّامهٔ زنجانی نگر: آشنائی با چند نسخهٔ خطّی، ص ۱۵۷- ۱۸۷؛ موسوعهٔ مؤلّفی الإمامیّة، ج ۴، ص ۳۱۵- ۳۲۸.

(۳)- شرح حال مفصّل وی را نگر در: «الفهرست لمشاهیر و علماء زنجان»، ص ۲۲، شمارهٔ- ۷۶؛ مجلّهٔ نور علم شمارهٔ، ج ۲۶، ص ۱۱۲- ۱۳۲.

أحکام المیاه، ص: ۳۵

سخنی دربارهٔ این أثر

۱- رسالهٔ حاضر قسمتی از جلد دوم کتاب ارزشمند «أفواه الرجال» می‌باشد. نسخهٔ أصل این کتاب که هنوز به زیور طبع آراسته نگردیده و مانند بسیاری از آثار مرحوم علّامه آیهٔ اللّه سیّد احمد زنجانی مخلوط است، نزد فرزند مؤلّف، فقیه مدقّق و رجالی محقّق حضرت آیهٔ اللّه العظمی سیّد موسی شبیری زنجانی- مدّ ظله العالی-، نگهداری می‌شود. ایشان تصویر این قسمت را در اختیار استاد معظّم، آیهٔ اللّه شیخ هادی نجفی- دام ظلّه- قرار دادند.

۲- نگارنده پس از اطّلاع از چنین اثری ارزشمند، در پی احیای آن برآمد و پس از تحویل گرفتن نسخه از حضرت استاد نجفی، نسخه را استنساخ نمود و سپس مواردی چون آیات، روایات، اقوال عامّهٔ و خاصّه، اجماعات و ... را که در متن رساله ذکر شده بود، استخراج کرد.

۳- علّامه فقیه سیّد احمد زنجانی حواشی بسیار ارزشمندی نیز بر این رساله دارد.

در برخی موارد حاشیه با امضای «سیّد احمد حسینی زنجانی» پایان پذیرفته که ما نیز آن را در حاشیه به همین صورت ذکر کرده‌ایم.

در برخی موارد نیز بدون امضا بود که آن را با تعبیر « [المقرّر]» مشخص ساخته‌ایم.

۴- اقوالی را که مقرّر محترم در حاشیه ذکر فرموده‌اند، استخراج کرده‌ایم مگر دو مورد که متأسّفانه آنها را نیافتیم: یکی از آن دو مورد نقل کلامی از صاحب «المواهب السّنیهٔ» بود که علی‌رغم تفحّص و جست‌وجو در این کتاب، آن را نیافتیم.

مورد دیگر کلامی است که وی از یکی از استادان خود نقل می‌نماید و متأسفانه آن قول نیز در مآخذ پیش روی ما دستیاب نشد.

أحکام المیاه، ص: ۳۶

۵- مقرّر محترم در مورد اندازهٔ آب کر به مساحت، و تعیین محیط و مساحت دائره، در پایان رساله محاسباتی دارد که بنا بر سبک رایج در بین گذشتگان (مانند آنچه در خلاصهٔ الحساب شیخ بهائی- اعلی اللّه مقامه- دیده می‌شود) سمتِ تحریر یافته است لیک ما در پاورقی روش محاسبهٔ آن را به سبک محاسبات امروزین نیز ذکر کرده‌ایم.

۶- در ابتدای رساله، یادداشتی این چنین، از مقرّر محترم، چشم را می‌نوازد:

«تقریرات حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای آقا شیخ محمّد رضا اصفهانی- مدّ ظله العالی- است که این بنده، سیّد احمد زنجانی در بدو تشرّف قم استفاده کردم، شهر جمادی الأخری ۱۳۴۶، حرّره: الأحقر سیّد أحمد الحسینی الزنجانی».

۷- استاد معظّم، حضرت آیة اللّه حاج آقا هادی نجفی، را در به انجام رسیدن این تحقیق سهمی است وافر. پس محقّق بر عهده خود می‌داند که از ایشان تشکّر نموده از درگاه حضرت حق- جلّ و علاـ- توفیقات روزافزون ایشان را در جهت احیاء آثاری از این دست، طلب نماید.

۸- و سخن پایانی این که نگارنده، امید آن دارد که سایر تقریرات نوشته شده به دست علّامهٔ فقیه آیة اللّه سیّد احمد زنجانی به زودی به زیور طبع آراسته گردد؛ بویژه که به خطّی خوش و قلمی روان تحریر گردیده است.

و آخر دعوانا أن الحمد للّه ربّ العالمین

اصفهان، حوزهٔ علمیّه، مدرسهٔ جدّه کوچک

مهدی باقری سیانی

۱۱ ربیع الآخر ۱۴۲۸ قمری برابر با ۹ اردیبهشت ۱۳۸۶ شمسی

أحکام المیاه، ص: ۳۷

برگ أوّل نسخهٔ خطی «احکام المیاه»

أحکام المیاه، ص: ۳۸

برگ آخر نسخهٔ خطی «احکام المیاه»

أحکام المیاه، ص: ۳۹

«بسم اللّه الرّحمن الرّحیم»

[الماء الراکد القلیل]

قد عرفت قوة القول بانفعال الراکد القلیل من الماء بملاقاة النجاسة. «۱»

و اعلم: أنّ ظاهر الأصحاب تسریة الحکم بملاقاة المتنجّس و ملاقی ملاقیه و لو بوسائط عدیدة «۲» لکنّ الأصل مع اختصاص الأدلّة بتنجیس نفس النجس یرشدنا إلی

---

(۱)- و إلی نصّ کلام بعض الأعلام «قدّس سرّهم» کالشیخ البهائی فی الاثنا عشریة [ص ۹۱]: «و نجاسة الراکد دون الکر هو المعروف و قول ابن أبی عقیل شاذّ»، و المحقّق السبزواری فی الکافیة [ج ۱، ص ۵۰]: «الماء القلیل غیر البئر إذا لاقته نجاسة و لم تغیّره فالأقرب المشهور بین الأصحاب أنّه ینجّس ...»، و المحقّق القمی فی الغنائم [ج ۱، ص ۴۸۹]: «فالمعروف من مذهب الأصحاب، بل متّفق علیه من غیر ابن أبی عقیل، الانفعال [فی القلیل الراکد] بمجرّد ملاقاة النجاسة ...»، و الوحید البهبهانی فی المصابیح [ج ۵، ص ۲۶۳]: «أجمع علماؤنا علی انفعال القیل بالملاقاة ...» و عمّ المقرّر له آیة اللّه الشیخ محمّد تقی الآقا نجفی الأصفهانی فی کتابه فقه الإمامیّة [المجلّد الأوّل من الطهارة، ص ۴۹] «لا شکّ و لا شبهة فی نجاسة الماء القلیل بمجرّد الملاقاة إلّا ما استثنی و هو المعروف من المذهب و قد توافقت کلمة الأعاظم من علمائنا قدّس سرّهم علی نقل الإجماع علی ذلک و ذهب جماعة کالعمّانی و غیره إلی ...».

(۲)- ممّن وافق هذا القول جماعة من الأعلام ذکره آیة اللّه المیرزا محمّد الفیض القمی فی کتابه الفیض [ص ۱۰۲] قال: «قد خالف المشهور ممّن تقدّم عصره علینا فی ما نعلم ابن إدریس- [فی السرائر، ج ۱، ص ۱۶۳] و السیّد صدر الدین و المولی المحدّث

الکاشانی [فی المفاتیح، ج ۱، ص ۷۵] .. و ممّن عاصرناه المحقّق الأستاذ المولی محمّد کاظم الخراسانی [فی اللمعات النّیرة، ص ۲۴] و الفقیه النبیه الآغا رضا الهمدانی [فی مصباح الفقیه، ج ۸، ص ۳۴- ۳۵] و الشیخ مهدی الخالصی، و نقل عن شیخ الشریعة المولی فتح اللّه الشیرازی الغروی».

أحکام المیاه، ص: ۴۰

العدم «۱»، نعم تنجیس المتنجّس خصوص إنائه ممّا لا ریب فیه.

ثمّ إنّهم استثنوا من کلیّة انفعال القلیل بالملاقاة موارد بعضها ممّا لا شبهة فیه.

فمنهما: ماء الاستنجاء «۲»، فسیجیء فی محلّه إن شاء اللّه تعالی «۳» ی و منها: الجزء العالی ممّا یرد علی النجس فإنّه لا ینفعل بملاقاة الجزء السافل، کما هو المقطوع به فی کلام الأصحاب «۴» و ذکر السیّد قدّس سرّه فی منظومته:

و ما جری فکان فوق الوارد فهو علی الطهر بقول واحد «۵»

و لعلّ هذا مراد السیّد المرتضی قدّس سرّه فی الناصریات «۶» حیث حکم بطهارة الوارد، إذ

---

(۱)- و للمقرّر له فی هذا المجال رسالة فی عدم تنجیس المتنجّس (طبعت فی مجلة فقه أهل البیت علیهم السّلام الرقم ۴۴) و هو قدّس سرّه یقول فی ختام رسالته هذا: «... هذا مقام النظر العلمی، و أمّا فی مقام العمل فأقول کما قاله صاحب نجاة العباد فی مسألة ماء الغسالة و عملی علی التجنّب»

و تبعه الإمام الخمینی قدّس سرّه الشریف [فی کتاب الطهارة، ج ۴، ص ۳۸] فی عدم تنجیس المتنجّس، لکن مع تقییده بالوسائط الکثیرة لا مطلقا و قال: «... و الإنصاف أنّ الفتوی بالنجاسة- سیّما مع الوسائط الکثیرة- جرأة علی المولی، و الأشبه عدم النجاسة مع الوسائط الکثیرة، و الاحتیاط- سیّما فیما علم تفصیلا بالملاقاة و لو مع الوسائط- لا ینبغی ترکه».

(۲)- انظر: قواعد الأحکام، ج ۱، ص ۱۸۶، تحریر الأحکام، ج ۱، ص ۵۲، ذکری الشیعة، ج ۱، ص ۸۲؛ جامع المقاصد، ج ۱، ص ۱۲۹.

(۳)- و لعلّ فی نیّة المقرّر أن یبحث عنها و لکنّه لم یتمکّن منه لأجل ما ذکره المقرّر فی ختام هذه التقریرات.

(۴)- ادّعی الشیخ الأعظم قدّس سرّه فی کتاب الطهارة [ج ۱، ص ۸۴] الإجماع علیه.

(۵)- الدرّة النجفیّة، ص ۳.

(۶)- المسائل الناصریات، ص ۷۲، م ۳.

أحکام المیاه، ص: ۴۱

الظاهر أنّ الوارد یقال علی المتلبّس بالفعل لا علی ما استقرّ بعد الانقطاع؛ کما أنّ المطر یقال علیه حین نزوله؛ و إلّا فبعد الانقطاع لا یقال علیه المطر و لا یعامل معه معاملة المطر؛ فما نسب إلیه من التفصیل بین الورودین فغیر وجیه «۱» و استثنی الشیخ قدّس سرّه «۲» ما لا یدرکه الطرف من خصوص الدم لصحیحة علیّ بن جعفر عن أخیه

[قال: «سألته] [/۲] عن رجل [رعف ف] امتخط فصار [بعض ذلک] الدم قطعا صغارا فأصاب إناءه، هل یصلح الوضوء منه؟ فقال: إن لم یکن شیء یستبین فی الماء فلا بأس».

«۳» و حملها المشهور علی إصابة الماء «۴»، لکن لا وجه لهذا الحمل بعد کون ظهر الإناء و باطنه الحاوی للماء من الشبهة المحصورة المحکومة عقلا بوجوب الاجتناب لکون کلیهما مورد الابتلاء، و الذی یقوی فی نظری «۵» هو ما ذهب إلیه الشیخ قدّس سرّه «۶» من الفرق فی

(۱)- أقول: و الإنصاف صحّة النسبة المذكورة إلى السيد قدّس سرّه لأنّ كلامه ظاهر فى أنّه أراد من الوارد خصوص جزء الملاقى؛ لا ما فوقه- كما حمل عليه الأستاذ- دام ظلّه لأنّه قال: «و الوجه فى ذلك أنّه لو حكمنا بنجاسة [الماء] القليل الوارد على النجاسة لأدّى ذلك إلى أنّ الثوب لا يطهّر من النجاسة إلّا بإيراد كرّ من الماء عليه» حيث أنّ ظاهر التعليل اختصاص الحكم بخصوص الجزء الملاقى و إلّا لذكرها محذور تاليه أشدّ من هذا عن أنّه بعد حكاية الفرق عن جدّه الناصر قال: «و هذه المسألة لا أعرف فيها نصّا لأصحابنا و لا قولاـ صريحا»، ثمّ اختار الفرق إذ الفرق بين ما فوق الجز الوارد و غيره ليس فيه خفاء حتّى يتأمّل السيّد قدّس سرّه و يبعد عنه أن لا يعرف فيه نصّا و قولا مع حكاية قضاء الضرورة بذلك عن غير واحد، هكذا أفهم من ظاهر عبارته و إن كانت قلّة بضاعتى برهانا على سقوط ما يصل إليه فهمى القاصر من الاعتبار. «أحمد الحسينى الزنجانى»

(۲)- المبسوط، ج ۱، ص ۷؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۲۳، ذيل الحديث، ۵۷.

(۳)- الكافى، ج ۳، ص ۷۴، ح ۱۶؛ وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۱۵۰، ح ۱.

(۴)- انظر: المعتبر، ج ۱، ص ۵۰؛ التنقيح الرائع، ج ۱، ص ۶۳.

(۵)- يحتمل أن يكون ظهر الإناء معلوم الإصابة بتصريح قول السائل أصاب إناءه و باطنه مشكوكا فحينئذ لا يكون المورد من الشبهة المحضورة؛ لكن يفيد هذا الاحتمال جلالة مقام السائل من أن يسأل عن حكم المشكوك بالشك البدوى؛ و إلّا هذا الاحتمال بنفسه ليس بذلك البعيد. «أحمد الحسينى»

(۶) لكن فرق بين قول الشيخ و ما أفاده الأستاذ العلّامة- دام ظلّه لأنّ الشيخ قدّس سرّه على ما حكى شيخ مشايخنا فى رسالة البراءة [فرائد الاصول، ج ۲، ص ۳۲۶- ۲۳۷] تأمّل بالعفو عنه للصحيحة المذكورة؛ لا عدم الانفعال، و كذا حكى فى الطهارة [ج ۱، ص ۲۸۰] عن المبسوط العفو لعدم إمكان التحرّز و إن نسب فيها عدم الانفعال أيضا، و أمّا على ما استدلّ به الأستاذ لا يكون منفعلا أصلا حتى يحتاج إلى العفو و إلّا مقتضى استدلاله اختصاص الحكم بالعدم، و أمّا استدلال الأستاذ فمعناه عمومية الحكم بجميع النجاسات، نعم قضية عدم إمكان التحرّز كما عن ظاهر العموم أيضا- كما حكى تصريح المبسوط-. «أحمد الحسينى».

النجاسات بين ما يدركه الطرف و غيره لأنّ ما لا يدركه الطرف و غيره لأنّ ما لا يدركه الطرف و لا يدخل تحت حيطة الحواس منصرف عنه الأدلّة.

أ لا ترى أنّ التراب حرام أكله و الغبار و مفسد للصوم مع أنّ الأجزاء اليسيرة منهما منصرف عن دليلى الحرمة و الإبطال؛ و هكذا سائر الموضوعات الشرعيّة و العرفيّة فالحكم يدور فيها مدار التحقّق عرفا، فغير المدرِك ملحق بالعدم فلا يكون منشئا للأثر.

انفعال ماء القليل و المضاف

ثمّ إنّ فى كيفية نجاسة الماء القليل أو المضاف بمجموعها بملاقاة جزءٍ منها النجاسة وجوها ذكرها شيخ مشايخنا قدّس سرّه فى الطهارة «۱»

أحدها: السراية من حيث الحكم بأن يلاقى الجزء الأوّل النجس فينجّس و ينجّس ملاقيه بما يليه؛ و هكذا لأنّ كلّ جزء ملاق بالفعل لما يليه فينجس جميع الأجزاء فى زمان واحد.

و فيه: أنّ الأجزاء لا يتلاقيان بتمامها بل بسطحيها، كما [۲/] تقرّر فى محلّه و من المعلوم عدم ملاقاة أحد السطحين الملاقى للنجس للسطح الآخر.

---

(۱)- و هو الشيخ الأعظم الأنصارى قدّس سرّه فى كتاب الطهارة، ج ۱، ص ۱۱۴- ۱۱۵.

أحكام المياه، ص: ۴۳

الثانى: السراية من حيث نفس المتنجّس فإنّ الجزء الملاقى للنجس يسرى بنفسه إلى ما حوله من الأجزاء.

و فيه ما فيه «۱»

الثالث: أن يكون الوجه تعبّد الشارع بذلك.

و فيه: إنّا نرى التنفّر و الاجتناب- مع قطع النظر عن الشرع- عن جميع الماء بمجرّد ملاقاة جزء منه النجس و القذر، كما نرى ذلك ممّن لا يتدينون بالدين؛ فالأظهر أنّ الاستقذار و الاستخباث أمر عرفى لا شرعى، نعم للشارع بيان الموضوع و أنّ هذا نجس، أمّا كيفية الاستقذار فهو عرفى، و العرف يعدّ مجموع الماء أو المائع الآخر متنجّسا لازم الاجتناب موجبا للتنفّر بملاقاة جزء منه النجاسة، فبعد وكول الأمر فى الاستقذار إلى العرف تعلم أنّ ما ذهب إليه المشهور من انفعال كرور من الجلّاب بملاقاة قطرة من البول منظور فيه لعدم الاستقذار العرفى فيه.

[الماء الجارى]

مسألة: المشهور «۲» أنّ الجارى- قليلا كان أو كثيراً- لا ينفعل بالملاقاة «۳»، و اصطلحوا «۴»

---

(۱)- قال الشيخ الأعظم فى ردّ هذا الوجه: «و هذا أكثر نقضا من الوجه الأوّل، لانتقاضه بالكرّ مع إحساس السراية فيه، و بما ذكر فى الوجه السابق؛ و يلزم عليه أن يكون انفعال مجموع الماء على التدريج، و أن يتفاوت زمان السراية بالنسبة إلى المائع الرقيق و الغليظ؛ مع أنّ التدريج باطل إجماعا، فضلا عن تفاوت المائعات فى ذلك [كتاب الطهارة، ج ۱، ص ۱۱۵]

(۲)- و ممّن صرّح بالشهرة فى المقام:

الف: العلّامة السيّد مهدى بحر العلوم فى مصابيح الأحكام، ج ۱، ص ۳۰۷

ب: المحقق السيّد محسن الكاظمى البغدادى فى وسائل الشيعة، ص ۸۴

ج: تلميذهما الشيخ محمّد تقى صاحب هداية المسترشدين و جدّ الأعلى للمقرّر له فى تبصرة الفقهاء، ج ۱، ص ۹۲.

- الفقيه الشيخ آغا رضا الهمدانى فى مصباح الفقيه، ج ۱، ص ۳۰- ۳۱

ه: الشيخ الأعظم الأنصارى فى كتاب الطهارة، ج ۱، ص ۷۳ و إليك نصّ كلامه الشريف: «... فهو الذى اختصّ عند المشهور بأنّه لا ينجّس كثيرة و لا قليلة بمجرّد الملاقاة ...»

(۳)- ادّعى الإجماع عليه فى شرح جمل العلم و العمل [ص ۵۶] و الغنية [ص ۴۶] و المعتبر [ج ۱، ص ۴۱] و الذكرى [ج ۱، ۷۹] و الغنائم [ج ۱، ص ۵۱۷]؛

(۴)- و إليك نصّ بعض الأعلام قدس سرهم فى هذا الاصطلاح:

فى الروضة [ج ۱، ص ۳۱]: «الجارى هو النابع من الأرض مطلقا غير البئر على المشهور»، و فى المسالك [ج ۱، ص ۱۲] «الجارى هو النابع غير البئر ...»، و فى المدارك [ج ۱، ص ۲۸] «الجارى هو النابع ...»، و فى الذخيرة [ج ۱، ص ۱۱۶] «الجارى هو النابع غير البئر ...»؛ و راجع: مفتاح الكرامة، ج ۱، ص ۲۶۵.

أحكام المياه، ص: ۴۴

فى تفسيره بالنابع «۱»، ثمّ أخذوا فى تحقيق معنى النابع فى مراجعة كتب اللغة و نقل أربابها؛ و لعلّ هذا الاصطلاح ناش لهم عن تعليل حكم البئر فى صحيحة «۲» ابن بزيع «۳» بأنّ له مادّة «۴» حيث أخذوا المادّة بمعنى المنبع نظرا إلى انحصار الاعتصام بالنبعان و دورانه مداره.

(۱)- حتی أنّ العلامة الطباطبائی فی منظومة [- الدّرة النجفیّة، ص ۳] اقتصر فی التعبیر عنه بالنابع فی بیته هذا:

«و یستوی الکرّ و ما عن ذاک شف فی نابع الماء ما جری و ما وقف»

(۲)- صحیحة ابن بزیع؛ قال فی مواهب السنیة فی شأنها: «هذا الخبر قلّما یوجد مثله فی علوّ السند»؛ [المواهب السنیة فی شرح الدرة النجفیة؛ و ما وجدته فی مظانّها بالرغم من تفحصی].

قال الأستاذ- دام ظلّه-: «توصیفه بالعلوّ خلاف اصطلاح أرباب الدرایة؛ لأنّ العالی السند فی اصطلاحهم ما قلّت وسائطه مع الاتّصال. [انظر: الرعایة، ۲۸؛ الرواشح السماویة، ص ۱۹۸- ۱۹۷].

أقول: لا یعتبر فی رواته العدالة، نعم یزیده شرافة. «المقرّر»

(۳)- الاستبصار، ج ۱، ص ۳۳، ح ۸۸، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۷۲، ح ۶.

(۴)- بناء علی رجوع التعلیل إلی قوله «لا تفسده شیء إلّا» إلی قوله «یطیب [طعمه]»، کما احتمله البهائی قدّس سرّه: [انظر: الحبل المتین، ج ۱، ص ۵۰۶]

أحکام المیاه، ص: ۴۵

أقول: فما اصطلحوا علیه من أخذ النبعان فی [/۳] مفهوم الجاری و إن کان لا مشاحة فی الاصطلاح لکنّا نقول: إنّ الجاری بهذا الاصطلاح أیّ دلیل علی کونه مخصوصا بالموضوعیّة لأحکام المترتّبة علی عنوان الجاری؛ و أیّ حاصر للاعتصام علی خصوص النبعان مع أنّ ماء الحمام أیضا کذلک و علّل بالمادّة و لیس له النبعان.

فالأظهر أنّ الجاری بمعنی المتحرّک؛ کما أنّ الراکد فی قباله بمعنی الساکن «۱» علی ما هو المتعارف فی الاستعمال کما یقال: جرت الریح أن تحرّکت «۲»، جری المیزاب، جری النسیم، و هکذا کلّ ذلک من مصادیق الجریان مع عدم اعتبار النبعان فیها فبعد عدم ظهور نقل أو تقیید من الشارع یکون هذا المعنی المتعارف مناطا فی الأحکام مثلا لو کان لسان الدلیل هکذا بأن یقول: إذا جری فلا بأس؛ فیصدق بهذا اللسان علی أیّ نحو من أنحاء الجریان و لو کان بالانصباب من الإبریق؛ نعم لو تعلّق الحکم علی عنوان الجاری فصدقه علی ما یصبّ من الإبریق بالمنع حقیق؛ إذا الجاری بصیغة الفاعل مأخوذ فیه عرفا الامتداد و المزاولة شبه الملکة کالشاعر و الحائک؛ إذ لا یقال شاعر علی من قال شعرا و الحائک علی من حاک مرّة؛ بل اعتبر [/۳] فی صدقهما التکرار و الملکة و کذا الجاری؛ و لذا ینصرف هذا العنوان عمّا ینصبّ من الإبریق و نحوه فما احتمله النراقی من صدقه علی المنصبّ من الإبریق خال عن التحقیق.

و الحاصل: أنّ الجاری هو ما یسیل و یتحرّک و إن لم یکن له منبع ینبع عنه «۳» أ لا تری أنّ

(۱)- انظر فی هذا المجال ما أفاده الفقیه البارع السیّد مصطفی الخمینی قدّس سرّه فی کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۱۸۷.

(۲)- و منه: وَ الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَها [سورة یس، الآیة ۳۸]، و قول الفقهاء: یعتبر فی غسلات الوضوء الجریان. «المقرّر»

(۳)- هذا تحقیق متین فی غایة المتانة إلّا أنّه جعل فی الأخبار ماء الحمام إذا کانت له مادّة بمنزلة الجاری بمعنی أنّه جار بهذا المعنی حقیقة لا منزّل منزلته؛ کما أجاب به شیخ مشایخنا قدّس سرّه هذا القول المحکی عن بعض [راجع: کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۷۱]. «أحمد الحسینی».

أحکام المیاه، ص: ۴۶

العرف إذا رأی ماء یسیل فی الأرض یحکم بکونه جاریا و لا یتوقّف فی الحکم بذلک علی تحقیق مجراه من أنّه ینبع عن الأرض فیحکم؛ أو یذوب من الثلج فلا یحکم؛ کما أنّ الماء الغیر المتحرّک و لو کان له منبع ینبع عنه لا یقال فی العرف أنّه جار؛ بل یقال أنّه

عین راکدة فلا یترتّب علیه أحکام الجاری.

و التعجّب من صاحب الجواهر رحمه اللّه مع تتبهه لما ذکرنا حکم فی ما یسیل فی الأرض بکونه جاریا حتی یثبت خلافه «۱»، لیت شعری من أنّی له هذا الحکم بعد أخذ النبعان فی مفهومه مع الشک فی تحقّق النبعان، و لا أصل له حتّی یکون هو المرجع، و عرفت أنّ العرف لا- یعتبر فیه عدا الجریان الفعلی دائرا مدار الامتداد و المزاولة فالحکم علی کونه جاریا من حکم العرف بذلک فیناط الأحکام مناطه، فافهم و اغتنم. «۲»

ثم إنّ العلامة قدّس سرّه «۳» و بعض من تأخّر عنه اعتبروا الکرّیة فی الجاری أیضا [۴/] کالراکد «۴» لإطلاق الأخبار الدالّة علی اعتبارها فی عدم انفعال الماء.

و یضعف «۵» بظهور بعضها فی غیر الجاری و علی فرض تمامیة إطلاقه أو عمومه فالنسبة بینها و بین ما دلّ بإطلاقه أو عمومه علی عدم انفعال الجاری العموم من وجه؛

---

(۱)- جواهر الکلام، ج ۱، ص ۲۱۲.

(۲) لما کان الغالب فی المیاه الجاریة فی الأرض النبعان فیکون مشکوکها ملحقة بالغالب، و لعل الجواهر حکم به لهذا الأصل. «أحمد الحسینی».

(۳)- راجع: تذکرة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۷، نهایة الإحکام، ج ۱، ص ۲۲۸- ۲۲۹.

(۴)- کالشهید الثانی فی روض الجنان [ج ۱، ص ۳۶۲- ۳۶۴] و الشیخ الأکبر فی کشف الغطاء [ج ۱، ص ۴۰۰]

(۵)- أجاب بعض الأساتید قدّس سرّه فی مجلس الدرس عن استدلال العلامة قدّس سرّه بأنّ نفس تقدیر الکثرة بالکرّ قرینة علی اختصاصه بالراکد؛ لأنّ القلّة و الکثرة فی کلّ شیء بحسبه فالجاری قلّته و کثرته لا یعتبر بالوزن و المسامحة، بل بضیق المجری و سعته بخلاف الراکد فیعتبر بالوزن و المسامحة، فعلی هذا یکون أخبار اعتبار الکرّ ظاهرا فی الراکد. «أحمد الحسینی».

فلا ریب أنّ الترجیح مع الأخیر من وجوه عدیدة، و علی فرض التکافؤ و التساقط فالمرجع عموم

«خلق اللّه الماء طهورا لا ینجّسه شیء إلّا ما غیّر ...».

«۱» و مع التنزّل عن ذلک فالرجوع إلی الأصل متعیّن.

[ماء البئر]

ماء البئر و عرفوها بأنّه «۲» مجمع ماء نابع من الأرض لا یتعدّاها غالبا و لا یخرج عن مسمّاها عرفا «۳»

قال شیخنا الأنصاری قدّس سرّه: «و لا یخلوا هذا التعریف عن خدشات فالأولی وکوله إلی العرف» «۴»

أقول: قد أوکل بالقید الأخیر- أعنی قوله لا یخرج عن مسمّاها عرفا- إلی العرف فحینئذ یکون التعریف سالما عن الخدشات المتوجهة إلیه.

اعلم: أنّ فی انفعال ماء البئر بالملاقاة و عدمه قولان مشهوران بالشهرة العظیمة بین المتقدمین بالانفعال و بین المتأخرین بعدمه «۵» و ربما فصّل بعض «۶» بین الکرّ و عدمه جمعا بین الأخبار و الأدلة للطرفین من الأخبار [۴/] و غیره فی غایة الکثرة و إن کان

---

(۱)- المعتبر، ج ۱، ص ۴۴؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۳۵، ح ۹؛ و انظر: السرائر ج ۱، ص ۶۴.

(۲)- فی تذکیر الضمیر حال الخبر و إلّا فمرجعه البئر و هو مؤنث سماعی و لذا أنّث الضمائر الأخیرة. «المقرّر».

(۳)- راجع: غایهٔ المراد، ج ۱، ص ۶۵؛ کشف الالتباس، ص ۴۹؛ الروضهٔ البهیّهٔ، ج ۱، ص ۳۴.

(۴)- کتاب الطهارهٔ، ج ۱، ص ۱۹۳.

(۵)- راجع: مختلف الشیعهٔ، ج ۱، ص ۲۵، م ۷؛ مفتاح الکرامهٔ، ج ۱، ص ۳۲۰؛ مصباح الفقیه، ج ۱، ص ۱۵۳.

(۶)- و هو الشیخ أبو الحسن محمّد بن محمّد البصروی علی ما نقل عنه فی غایهٔ المراد، ج ۱، ص ۷۲؛ و انظر: قواعد الأحکام، ج ۱، ص ۵، مجمع الفائدهٔ و البرهان، ج ۱، ص ۲۶۶.

أحکام المیاه، ص: ۴۸

للخدشهٔ فی کثیر منها مجال «۱» إلّا أنّ مجموعها فی کلّ واحد من الطرفین لو لا المعارض- ممّا یوجب الاطمئنان بما راموا الاستدلال علیه من الانفعال و عدمه، و الجمع بینها بحمل أخبار النزح علی الاستحباب ممّا یأباه بعض تلک الأخبار الناصّیهٔ من حیث النصّ فیه علی کون النزح مطهّرا، «۲» و إن کان فی بعضها إشعار بهذا الحمل؛ فغایهٔ ما یمکن لنا من التوجیه الجمع بینها بالفصل بین الکرّ و عدمه، و فی روایهٔ حسن بن صالح الثوری عن أبی عبد اللّه علیه السّلام: «إذا کان الماء فی الرکی کرّا لم ینجّسه شیء» «۳» شاهد علیه، الرکی جمع الکریهٔ بمعنی البئر «۴»، إلّا أنّه یبعّد أنّ حمل أخبار النجاسهٔ علی القلیل لا یلتئم بعض أخبار النزح کنزح کرّ فی بعضها «۵» و نزح سبعین دلوا فی بعضها «۶»، مضافا إلی أخبار التراوح الناصّهٔ بغزارهٔ «۷» الماء «۸».

اللّهم إلّا أن یقال: لا تنافی فی ذلک إذ یمکن أن یکون الماء حین الملاقاهٔ قلیلا؛ و مع ذلک ینزح من البئر الکرّ و ما فوقه لإمکان ترشّح بدل ما ینزح من المنبع.

و علی تقدیر التنزّل عن ذلک.

---

(۱)- منها استبعاد المصابیح بأنّه فی صورهٔ النجاسهٔ لا یطهّر بغیر النزح، و النزح لا یصلح لذلک إذ لم یعهد شرعا تطهیر شیء بإعدام بعضه، و اعترض علیه الأستاذ- مدّ ظله- بالنقض بطهارهٔ العصیر بذهاب ثلثه. «أحمد الحسینی».

(۲)- کصحیحتی محمّد بن إسماعیل بن بزیع و علیّ بن یقطین؛ راجع: وسائل الشیعهٔ، ج ۱، ص ۱۷۹- ۱۹۶، باب ۱۵ من أبواب الماء المطلق إلی باب ۲۳ منها.

(۳)- الکافی، ج ۳، ص ۲، ح ۴؛ وسائل الشیعهٔ، ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۸.

(۴)- النهایهٔ، ح ۲، ص ۲۶۱.

(۵)- کروایهٔ عمرو بن سعید؛ التهذیب، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۶۷۹؛ وسائل الشیعهٔ، ج ۱، ص ۱۸۰، ح ۵.

(۶)- کموثقهٔ عمّار الساباطی: التهذیب، ۱، ص ۲۳۴، ح ۶۷۸، وسائل الشیعهٔ، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۲.

(۷)- غزر الماء بالضم غزارهٔ: کثر؛ المصباح المنیر، ص ۴۴۶؛ لسان العرب ج ۵، ص ۲۲.

(۸)- کمعتبرهٔ عمّار الساباطی؛ التهذیب، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۸۳۲؛ وسائل الشیعهٔ، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۱.

أحکام المیاه، ص: ۴۹

فنقول: لما کان الأخبار الدالهٔ علی عدم انفعال فی البئر معتضدهٔ بالعمومات الخاصّهٔ و العامّهٔ «۱» مضافا إلی أصالهٔ البراءهٔ من وجوب الاجتناب و وجوب نزح الماء و استصحاب الطهارهٔ السابقهٔ عن اللقاء فلا جرم نحکم بالطهارهٔ إلی أن یثبت [/۵] الخلاف؛ فلو سلّم دلیل النجاسهٔ فی مورد خاص سندا و دلالهٔ من الخدشهٔ و احتوی شرائط الحجیّهٔ خرجنا «۲» عن تلک القاعدهٔ مقتصرا به، عکس الماء القلیل حیث حکموا فیه بالانفعال؛ و استثنوا موارد لدلیل خاص.

هذا غایهٔ ما تیسّر لنا من وجه الجمع فی المقام؛ و علی اللّه التوکّل و الاعتصام.

[ماء الحمّام]

[فی ألسن الأعلام ماء الحمّام حکمه حکم الجاری]

و من المیاه الدائرة فی ألسن الأعلام ماء الحمّام مصرّحین بأنّ حکمه حکم الجاری «۳»، و ورد به بالخصوص النصوص عن أئمتنا الکرام علیهم السلام «۴»

أقول: أمّا موضوع الحمّام فهو من الموضوعات الواضحة العرفیّة فلا یعتریه ریب، «۵» فما

---

(۱)- راجع فی هذا المجال ما أفاده البهبهانی فی المصابیح، ج ۵، ص ۳۰۴- ۳۱۰.

(۲) لکن یکون ذلک قول بالفصل بین موارد النزح مع عدم القول به فبعد خروج شیء منها یلحق به باقیها بعدم القول بالفصل.

(۳)- إلیک نصوص بعض کلماتهم.

فی کشف اللثام [ج ۱، ص ۲۶۰]: «... اتفاقا منّا کما هو الظاهر».

فی مصابیح الظلام [ج ۵، ص ۲۹۵]: «فإنّ المشهور المعروف أنّ حکمه حکم الجاری ...».

فی غنائم الأیّام [ج ۱، ص ۵۲۱]: «... المعروف من مذهب الأصحاب».

و فی منتقد المنافع [ج ۱، ص ۱۸۷]: «و المسألة فی الجملة ممّا لا خلاف فیه علی الظاهر».

و انظر: تبصرة الفقهاء [ج ۱، ص ۲۰۶]

(۴)- راجع وسائل الشیعة [ج ۱، ص ۱۴۸- ۱۵۰] الباب ۷ من أبواب الماء المطلق؛ و منها صحیحة داود بن سرحان و روایة ابن أبی یعفور.

(۵)- راجع فی هذا المجال ما أفاده عمّ المقرّر له آیة اللّه الشیخ محمّد تقی الآقا نجفی-- الأصفهانی فی کتابه فقه الإمامیّة [المجلّد الأوّل من الطهارة، ص ۲۴]

أحکام المیاه، ص: ۵۰

نقل فی الجواهر عن بعض- و لعلّه قوّاه أیضا علی ما هو ببالی- «من أنّ منصرف الحمّام فی الأخبار ما هو المتعارف فی عهدهم علیهم السّلام فلعلّه علی کیفیّة مخصوصة غیر کیفیّة الحمّامات المتعارفة فی عصرنا فحینئذ لا وجه للحکم للتسویة بینهما فی الحکم» «۱» مردود بأنّ فتح باب هذا الاحتمال یسدّنا باب الاستدلال فی غالب أبواب الفقه؛ مثلا یقال فی مسألة حرمان الزوجة من إرث العقار: لعلّ الدور و العقارات فی عهد المعصوم علیه السّلام کانت علی کیفیّة مخصوصة [/۵] فلا یستلزم حرمانها منها حرمانها ممّا هو المتعارف الآن، نعم لو أراد أنّ احتمال وضعها علی کیفیّة خاصّة یحتمل أن یکون لها خصوصیّة فی الحکم یمنعنا عن الحکم فیما هو المتعارف الآن لعدم علمنا بتلک الخصوصیّة فی هذه الحمّامات فلا وجه؛ لکنّا نعلم من الأخبار إجمالا کیفیّة حمّامات عصر المعصوم علیه السّلام بما لا تحتوی علی خصوصیّة تکون هی المناط فی الحکم کما سیأتی.

و أمّا النصوص الواردة فیه فکثیرة:

منها: صحیحة داود بن سرحان قال:

«قلت لأبی عبد اللّه علیه السّلام ما تقول فی ماء الحمّام؟

قال: هو بمنزلة الجاری»

«۲» و خبر ابن أبی یعفور عن أبی عبد اللّه علیه السّلام قال:

«إنّ ماء الحمّام کماء النهر یطهّر بعضه بعضا»

«۳» و غيرهما ممّا هو خال عن قيد المادّة.

و خبر بكر بن حبيب عن الباقر عليه السّلام [قال]:

«ماء الحمّام لا بأس به إذا كانت له مادّة»

«۴»

---

(۱)- الجواهر، ج ۱، ص ۲۲۱.

(۲)- التهذيب، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۱۱۷۰؛ وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۱۴۸، ح ۱.

(۳)- الكافى، ج ۳، ص ۱۴، ح ۱؛ وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۱۵۰، ح ۷.

(۴)- الكافى، ج ۳، ص ۱۴، ح ۲؛ وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۱۴۹، ح ۴.

أحكام المياه، ص: ۵۱

و حمل الأصحاب مطلقها على مقيّدها «۱»؛ لكن ابن حبيب «۲» مرمىّ بالجهالة «۳»؛ كما عن المدارك «۴» فالعجب من شيخنا الأنصارى- أعلى اللّه درجاته «۵»- حيث استظهر «أنّه بكر بن محمّد بن حبيب الذى ظاهر المحكىّ عن النجاشى و صريح الخلاصة أنّه من علماء الإماميّة؛ لأنّ بكر بن محمّد هو أبو عثمان المازنى المعروف النحوى؛ و هو من علماء الإماميّة» «۶» لكنّه ما أدرك زمان الباقر عليه السّلام إذ هو من علماء زمان الهادى عليه السّلام؛ بل العسكرى عليه السلام؛ و له قصّة معروفة مع الواثق باللّه العباسى، «۷» مضافا [/۶]. إلى أنّه لم يعهد

---

(۱)- منهم الشهيد قدّس سرّه فى الذكرى [ج ۱، ص ۷۹]؛ و إليك نصّ كلامه الشريف: «.. و ماء الحمّام بالمادّة ... و الأظهر اشتراط كثرتها حملا للمطلق على المقيّد».

(۲)- قال شيخ الطائفة قدّس سرّه فى رجال الباقر عليه السّلام [رجال الطوسى، ص ۱۲۷، الرقم ۱۲۸۸]: «بكر بن حبيب الأحمسى البجلّى الكوفى أبو مريم»؛ و ذكره فى رجال الصادق عليه السلام [ص ۱۷۱، الرقم ۱۹۷۷]، و روى عنها عليهما السّلام أحد عشر موردا فى الكافى و التهذيبين؛ و روى عن منصور بن حازم. راجع: معجم رجال الحديث، ج ۳، ص ۳۴۳، الرقم ۱۸۴۰؛ و قاموس الرجال، ج ۲، ص ۳۶۶، الرقم ۱۱۷۷؛ و موسوعة الرجالية الميسّرة، ص ۹۴، الرقم ۱۰۵۰.

(۳) لكنّ القدح غير مضرّ؛ لأنّ بعد البكر منصور و بعده صفوان بن يحيى و هو من أصحاب الإجماع. «المقرّر».

(۴)- مدارك الأحكام، ج ۱، ص ۳۴.

(۵)- كتاب الطهارة، ج ۱، ص ۱۰۰؛ و انظر: رجال النجاشى، ص ۱۱۰، الرقم ۲۷۹ و خلاصة الأقوال، ص ۸۱، الرقم ۱۶۰.

(۶) لمزيد البحث و الاطّلاع حول بكر بن محمّد بن حبيب، راجع ما أفاده العلّامة المحقّق التسترى فى تراثه الرجالى القيّم قاموس الرجال، ج ۲، ص ۳۷۶، الرقم ۱۱۹۰ و الفقيه المحقّق السيّد محمّد على الأبطحى فى تهذيب المقال، ج ۴، ص ۱۵۱- ۱۶۱.

(۷)- راجع: وفيات الأعيان، ج ۱، ص ۲۸۴، الرقم ۱۱۸؛ سير أعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۲۷۰، الرقم ۱۰۳؛ البداية و النهاية، ج ۱۰، ص ۳۸۹، و إليك نصّ كلام المحدّث القمى فى الكنى و الألقاب، ج ۳، ص ۱۳۱ «... و ممّا رواه المبرّد عنه أنّ بعض أهل الذمّة قصده ليقرأ عليه كتاب سيبويه و بذل له مائة دينار، فى تدريسه إيّاه فامتنع أبو عثمان من ذلك، قال: قلت له جعلت فداك أ ترد هذه المنفعة مع فاقتك و شدّة إضاقتك؟

فقال: إنّ هذا الكتاب يشتمل على ثلاثمائة كذا و كذا آية من كتاب اللّه- عز و جل-، و لست أرى أن أمكن منها ذميّا غيرة على كتاب اللّه و حميّة له.

قال: فاتّفق أن غنت جاریة بحضرة الواثق بقول العرجی:

«أ ظلوم إن مصابکم رجلا أهدی السلام تحیّة ظلم»

فاختلف من کان فی المجلس فی إعراب «رجلا»، فمنهم من نصبه و جعله اسم إن و منهم من رفعه علی أنّه خبرها، و الجاریة مصرّة علی أنّ شیخها أبا عثمان المازنی لقّنها إیّاه بالنصب، فأمر الواثق بإشخاصه.

قال أبو عثمان: فلما مثّلت بین یدیه قال: ممّن الرجل؟

قلت: من بنی مازن.

قال: ثمّ سألنی عن الشعر فقال: أ ترفع «رجلا» أم تنصبه؟

فقلت: الوجه النصب.

قال: لم؟

فقلت: إن مصابکم مصدر بمعنی إصابتکم فهو بمنزلة قولک إن ضربک زیدا ظلم، فالرجل مفعول مصابکم و الدلیل علیه أنّ الکلام معلّق إلی أن تقول ظلم فاستحسنه الواثق، ثم أمر له بألف دینار و ردّه مکرما.

قال المبرّد: فلمّا عاد إلی البصرة قال لی: کیف رأیت یا أبا العباس رددنا للّه مائة فعوّضنا ألفا؟ نقلت ذلک من الوفیات، و فی ذلک کان معجزة للقرآن الکریم.

أحکام المیاه، ص: ۵۲

منه الروایة «۱»؛ و کیف کان «۲» لا ریب فی أنّ المراد من الحمّام ما له مادّة؛ لا من باب حمل المطلق علی المقیّد کما ارتکبه المشهور حتی یتأمّل فی سند المقیّد بما فی المدارک من

---

(۱) لکن تعرّض العلّامة فی الخلاصة لحاله یکشف عن کونه من رجال الروایة. «المقرّر»؛ و لتأیید ما ذکره المقرّر له لعدم دخوله (بکر بن محمّد بن حبیب) فی أسناد الروایات راجع إلی قاموس الرجال، ج ۲، ص ۳۷۶- ۳۸۰، الرقم ۱۱۹۰ و معجم الرجال الحدیث، ج ۳، ص ۳۵۲، الرقم ۱۸۶۵.

(۲)- و لکن مع هذا کلّه یمکن تصحیح السند بما قاله الشیخ بهاء الدین العاملی قدّس سرّه فی الحبل المتین [ج ۱، ص ۴۹۸] و إلیک نصّ کلامه الشریف: «... و ابن حبیب و إن کان مجهول الحال إلّا أنّ جمهور الأصحاب تلقّوا روایته هذه بالقبول؛ فلعلّ ضعفها منجبر بذلک» فتأمّل فیه.

أحکام المیاه، ص: ۵۳

نسبة الجهالة إلیه؛ أو یقال: لم یقو قوّة انصراف المطلقات الکثیرة عن الظهور کما هو الظاهر؛ بل لأنّ الأخبار منصرف إلی ما هو المتعارف فی عصرهم علیهم السّلام من کونه ذا مادّة یستمدّ منه و لا یستظهر من قوله

«إذا کان له مادّة»

عدم تعارف ذلک بخصوصه؛ بل کونه قسمین لأنّ معنی

«إذا کان له مادّة»

أی اتصل بها؛ و إلّا لا یکون لها مادّة فعلا؛ أو ذکر لإخراج بعض الحمّامات النادرة التی یصبّ إلیه بالید و الآلة، فوجه ترتّب أحکام الجاری علیه لکونه بسبب اتصاله بالمادّة من أقسام الجاری حقیقة، کما حقّقناه سابقا من أنّ الجاری هو ما کان سائلا بالفعل أعمّ من أن یکون سیلانه عنه المنبع أو المادّة؛ أم لا.

فإن قلت: هذا ینافی ما فی صحیحة ابن سرحان من

«أنّه بمنزلة الجاری»

لا أنّه نفس الجاری.

قلت: لمـا کـان الجاری فی تعارف العوام یقال لما یجری فی سـطح الأرض، لا ما کان نازلا من العلوّ؛ و إن یقال: جری المیزاب أیضا، لکن عنوان الجاری بهذا الاشتقاق مخصوص فی تعارفهم بما یجری [۶/] علی السطح.

و بعبـارهٔ أخری یکون خـطّ سـیره أفقیّـا لاـ عمودیّـا فمشـی الإمام علیه السّـلام فی هـذا التعبیر ممشاهم؛ و إن کان بحسب الواقع جاریا حقیقهٔ؛ فافهم. «۱»

فقد انقدح ممّا حقّقنا: أنّ حکم الحمّام جار علی وفق القاعدهٔ و وجه اعتصامه اتّصاله

(۱)- إنّه- دام ظلّه- قـد أدار حکم الجاری فیما سبق مـدار الصـدق العرفی فلو اختصّ الصدق العرفی بما ذکر فلازمه خروج نحو میاه المیزاب عن موضوع الجاری فینفی حکمه؛ فهو کما تری، علی أنّ مشـی الإمام علیه السّـلام فی بیان الحکم الشـرعی ممشـی الغیر إنّما یجوز لو لم یوقعهم علی خلاـف الواقع فی الحکم الشـرعی؛ مع أنّ أعـاظم العلماء وقع فی خلاف الواقع بزعمه فی عـدم ترتّب أحکام الجاری علیه.

فالحاصـل: لو کـان مراده- دام ظلّه- من العوام هو أهل العرف فیرد الإیراد الأوّل و الثانی کلاهما، و لو کان المراد جهّالهم فیرد الإیراد الثانی فقط. «أحمد الحسینی».

أحکام المیاه، ص: ۵۴

بالمادّهٔ بالجریان منها إلیه و کونه جاریا حقیقهٔ، و فی روایهٔ ابن أبی یعفور

«ماء الحمّام کماء النهر یطهّر بعضه بعضا»

إشعار بأنّ العاصم له هو الجریان.

و العجب من شیخ المشایخ العظام- قدس اللّه تربته الزاکیهٔ- «۱» حیث جعل روایهٔ ابن أبی یعفور مشیرا؛ بل دالّا علی أنّ العاصم له هی الکثرهٔ، مع أنّها علی ما ذکرنا أدل.

فبالجملهٔ: أنّ لنـا القطع بـأنّ البنیـان المخصوص لاـ دخـل له فی الحکم؛ و إنّ المـاء بوصف کونه فیه لا یتحصّل له اعتصام فما بقی إلّا انطباقه علی المیاه المعتصمهٔ من الجاری أو الکثیر، و علمت أنّ الأظهر اعتصامه من خصوص الجریان لا الکثرهٔ.

ثمّ إنّ ماء الحوضـین بالاتّصال یعـدّ ماءً و التعـدّد فی ظرفه و مکانه لا فیه نفسه؛ أ لا تری أنّه لو جمد ماء الإنائین بعد الاتّصال لا یرتاب أحد فی عدّه واحدا سواء کان سـطحاهما متساویین أم مختلفین «۲»؛ نعم لو کان المجری بینهما ضیّقا بحیث [۷/] یلحقه العرف بالعدم لا یؤثّر ذلک فی صدق الوحدهٔ.

[ماء المطر]

ماء المطر لا اشکال فی أنّه بعد الانقطاع فی حکم الراکد «۳» قلیله ینفعل و کثیره یعتصم،

(۱)- و هو الشیخ الأعظم الأنصاری قدّس سرّه فی کتاب الطهارهٔ، ج ۱، ص ۱۰۱.

(۲)- لاـ یقـال: إنّ اعتصام الحوض الصـغیر فی الحمّام- علی ما حقّقه الأسـتاذ دام عزّه- بواسـطهٔ الجریان من المادّهٔ إلیه، و أمّا اعتصام الحوض الکبیر بسبب الکثرهٔ فیلزم أن یکون الماء الواحد مُعَنونا بعُنوانَین و محکوما بحُکمَین.

لأنّا نقول: ذلک بمجرّده لا یضـرّ فی صدق الوحدهٔ؛ أ لا تری أنّ الماء الواحد إذا تغیّر لونه بالنجاسهٔ فی بعض أطرافه فهو لو کان کثیرا

یختصّ نجاسته فیما یتغیّر و یبقی باقیه فی الطهارة؛ مع أنّ ذاک لا یخرجه عن الوحدة. «أحمد الحسینی الزنجانی».

(۳)- و إلیک نصّ کلمات بعض الأصحاب- قدس سرهم-:

الف: الفاضل الأصفهانی فی کشف اللثام [ج ۱، ص ۲۶۰]: «.. فإن لاقته نجاسة بعد انقطاع- تقاطره فکالواقف إجماعا»

ب: الفاضل النراقی فی المستند [ج ۱، ص ۳۰]: «.. إذا انقطع تقاطره فإن لم یبق جریانه علی الأرض فکالواقف إجماعا»

ج: الفقیه الهمدانی فی مصباح الفقیه [ج ۸، ص ۳۴۰]: «.. بعد انقطاع المطر فإنّ حاله بعد وقوف المطر حال سائر المیاه القلیلة ... بلا خلاف فیه».

أحکام المیاه، ص: ۵۵

و لا- فی أنّه حین النزول فی حکم الجاری یطهّر ما لاقاه و لا ینفعل منه «۱»، إنّما الإشکال فی شرطه هل یشترط فی القوّة المصحّحة لإطلاق اسم المطر، أو الکثرة، أو الجریان بالقوّة، أو بالفعل من الشعب أو من خصوص المیزاب، أو لم یشترط شیء من ذلک، بل هو معصوم مطلقا و لو کان قطرة واحدة؛ أقوال: «۲»

أقواها الأوّل «۳» و أضعفها الأخیر «۴»، و وجه ضعف الأخیر واضح لأنّه لا یصدق اسم

---

(۱)- و إلیک نصّ بعض کلماتهم

الف: المحقّق السبزواری فی الذخیرة [ج ۱، ص ۱۲۰]: «.. و هو أنّ ماء الغیث حال تقاطره کالجاری فهو المشهور بین الأصحاب»

ب: الوحید البهبهانی فی المصابیح [ج ۵، ۳۱۲]: «و أمّا ماء الغیب فحال تقاطره حکمه حکم الجاری علی المشهور بین الأصحاب»

ج: الفاضل النراقی فی المستند [ج ۱، ص ۲۶- ۲۷]: «.. لا خلاف فی أنّه حال التقاطر مع الجریان کالجاری ... و کذا بدون الجریان علی الحقّ المشهور»،

د: جدّ الأعلی للمقرّر له فی کتابه تبصرة الفقهاء [ج ۱، ص ۱۱۰]: «لا- خلاف بین الأصحاب فی عدم انفعال ماء الغیث فی الجملة بمجرّد ملاقاة النجاسة، و الظاهر انعقاد إجماع الأمّة علیه کذلک»

(۲) للعثور علی هذه الأقوال، راجع ما أفاده الفقیه المحقّق السیّد علیّ القزوینی فی ینابیع الأحکام [ج ۱، ص ۴۸۸- ۴۸۹] و العلّامة الفقیه الشیخ منیر الدین البروجردی الأصفهانی فی رسالة أسئلة و أجوبة فقهیّة [میراث حوزة اصفهان، المجلّد الثالث، ص ۲۰۵] فإنّه قدّس سرّه بلغ الأقوال إلی الستة مع ذکر أصحاب الأقوال، و الفقیه الماهر الشیخ محمّد تقی آقا نجفی الأصفهانی فی فقه الإمامیّة [المجلّد الأول من کتاب الطهارة، ص ۱۳]

(۳)- أی یشترط فیه القوّة المصحّحة لإطلاق اسم المطر علیه.

(۴)- أی الاکتفاء بقطرة واحدة؛ و حکی هذا القول ثانی الشهیدین فی روض الجنان [ج ۱، ص ۳۷۲] عن بعض معاصریه و هو- کما فی هامش الحدائق [ج ۱، ص ۲۲۱]- السیّد حسن بن السیّد جعفر المتوفّی ۹۳۳ ق، و من المشایخ و المعاصرین لشیخنا الشهید الثانی و الشهید یعبّر عنه بعبائر ک «شیخنا الأجلّ الأعلم الأکمل ذی النفس الطاهرة الزکیة، أفضل المتأخرین فی قوّتیه: العلمیة و العلمیة ...» انظر: رسائل الشهید الثانی، ج ۲، ص ۱۱۱۶- ۱۱۱۷.

أحکام المیاه، ص: ۵۶

المطر فی العرف إلّا علی ما فیه فضل قوّة، و یسلبون اسمه عن القطرات؛ کما تراهم لو سئلوا حین نزول القطرات الیسیرة هل یمطر السماء؟ یقولون: لا؛ بل یقطر.

و منه بضمیمة الأصل یظهر قوّة الأوّل لإطلاق «۱» قوله علیه السّلام

«کل شیء یراه المطر فقد طهر»

فی مرسل الکاهلی المروی فی الکافی عن الصادق علیه السّلام قال:

«قلت: أمرّ فی الطریق فیسیل علیّ المیزاب فی أوقات أعلم أنّ الناس یتوضّئون. قال: لیس به بأس؛ لا تسأل عنه.

قلت: فیسیل علیّ من ماء المطر أری فیه التغیّر، و أری فیه آثار القذر، فتقطر القطرات علیّ و ینتضح علیّ منه، و البیت یتوضّأ علی سطحه [/۷] فیکفّ علی ثیابنا؟ قال: ما بهذا بأس، [لا تغسله] کلّ شیء یراه المطر فقد طهر»

«۲» قال فی المستدرک: صدر هذا السؤال لا یلائم ذیله، فإنّ السیلان غیر القطرات «۳» ثمّ نقل عن الوافی و عن نسخة من الکافی هکذا

«فیسیل «۴» علی الماء المطر»

بحذف «من» و خفض «الماء» و رفع «المطر» فحینئذ یلتئم الذیل و یصلح المتن من إشکال نفی البأس بالتغیّر.

---

(۱)- الظاهر أنّه إطلاق لا عموم- کما توهّمه بعض- إلّا أن یکون مراده من العموم، العموم بحسب الحکمة لا بحسب الوضع. «أحمد الحسینی الزنجانی»

(۲)- الکافی، ج ۳، ص ۱۳، ح ۳؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۴۶، ح ۵.

(۳)- فی المصدر «غیر القطر و النضح» بدل «غیر القطرات»

(۴)- و العبارة فی المصدر هکذا: «و متن الخبر فی بعض نسخ الکافی و نسخة صاحب الوافی هکذا ...»

أحکام المیاه، ص: ۵۷

و أمّا ما استدلّ به شرط الکثرة من صحیحة هشام بن سالم:

«سئل الصادق علیه السّلام عن السطح یبال علیه فیصیبه السماء فیکفّ الثوب؟ فقال: لا بأس به ما أصاب به من الماء أکثر منه».

«۱» یرد علیه: أنّ المراد بالأکثریة الغلبة- کما هو واضح- و إن یحتمل ضعیفا أن یکون المراد أنّ القطرة الواصلة إلی الثوب أکثر من البول الذی أصابه.

حجّة اشتراط الجریان أخبار لا یخلوا شیء منها عن شیء:

منها: روایة

علیّ بن جعفر عن أخیه موسی علیه السّلام قال: «سألته عن المطر یجری فی المکان فیه العذرة فیصیب الثوب، أ یصلّی فیه قبل أن یغسل؟ قال: إذا جری به المطر فلا بأس»

«۲». إذ من المحتمل؛ بل الظاهر أن یکون المراد من الجریان، الجریان من المساء أی النزول بقرینة «الباء» فی «جری به» و إلّا لکان المناسب «فی» بدلها.

و روایته الأخری عن أخیه علیه السّلام قال:

«سألته عن الکنیف یکون فوق البیت، فیصیبه المطر [/۸] فیکفّ فیصیب الثیاب أ یصلّی فیه قبل أن تغسل؟ قال: إذا جری به [من ماء] المطر فلا بأس».

«۳» إذ الظاهر «۴» أن یجری من ماء المطر علی ثیابه، لا أن یجری علی الأرض؛ کما هو دعواهم.

و منها: صحیحه الآخر [قال]:

سألته عن البیت یبال علی ظهره، و یغتسل فیه من

---

(۱)- وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۴۴، ح ۱، الوافی، ج ۶، ص ۴۶، ح ۳۷۲۶.

(۲)- مسائل علیّ بن جعفر، ص ۱۳۰، ح ۱۱۵؛ وسائل الشیعهٔ، ج ۱، ص ۱۴۸، ح ۹.

(۳)- قرب الإسناد، ص ۱۹۲، ص ۷۲۴؛ مسائل علیّ بن جعفر، ص ۱۹۲، ح ۳۹۸؛ وسائل الشیعهٔ، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۳.

(۴)- و لا أقلّ من الاحتمال المانع عن الاستدلال. «المقرّر»

أحکام المیاه، ص: ۵۸

الجنابهٔ، ثمّ یصیبه المطر، أ یؤخذ من مائه فیتوضّأ به للصلاهٔ؟ فقال: إذا جری فلا بأس [به]».

«۱» إذ یحتمل أن یکون «۲» بمعنی النزول من السماء، أی حین الجریان لا بأس به؛ لا بعد الانقطاع لتنجّسه بالمکان النجس.

ثمّ إنّهم قد تمسّکوا فی أصل المسألهٔ ببعض الأخبار الواردهٔ فی طین المطر، کمرسلهٔ محمّد بن اسماعیل عنه

«فی طین المطر، أنّه لا بأس به أن یصیب الثوب ثلاثهٔ أیّام، إلّا أن یعلم أنّه قد نجسه شیء بعد المطر، فإن أصابه بعد ثلاثهٔ أیّام فاغسله، و إن کان الطریق نظیفا لم تغسله».

«۳» و الظاهر أنّه لیس من أخبار الباب، و الحکم فی المرسلهٔ بالطهارهٔ فی ثلاثهٔ أیّام علی وفق الأصل، و بعده بالغسل علی خلافه و لعلّه من باب تقدیم الظاهر علیه؛ و إلّا فلو اختصّ حکم الغسل فی صورهٔ العلم [/۸] بالنجاسهٔ لا یبقی التقیید بالثلاثهٔ فائدهٔ، و هذا نظیر إلحاق الماء المشتبه قبل الاستبراء بالبول أو المنی تبعّدا هذا فقه الحدیث مع قطع النظر عمّا یعارضه، و إلّا یطرح أو یؤول بما لا یعارضه فهو موکول إلی محلّه لیس هنا مقام ذکره.

[ماء الکر، تعریفه، تحدیده و بعض أحکامه]

قد اتّفق المسلمون العامّهٔ عامّتهم عدی المالک، و الخاصهٔ کافّتهم إلّا العمّانی علی اعتبار وزن ما فی عصمهٔ الماء «۴»؛ و إن اختلفوا فی مقداره، «۵» و عبّر عن ذاک الوزن فی أکثر

---

(۱)- الفقیه، ج ۱، ص ۷، ح ۶؛ وسائل الشیعهٔ، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۲.

(۲)- و ذکر وجوه آخر أیضا فی الجواب عن ذلک، منها: احتمال أن یکون المنع حینئذ لکونه غسالهٔ غیر رافعهٔ للحدث لکون مورد السؤال جواز الوضوء بماء. «المقرّر»

(۳)- الکافی، ج ۳، ص ۱۳، ح ۴؛ وسائل الشیعهٔ، ج ۱، ص ۱۴۷، ح ۶.

(۴)- قال العلّامهٔ فی المختلف [ج ۱، ص ۱۳، م ۱]: اتّفق علماؤنا- إلّا ابن أبی عقیل- علی أنّ الماء القلیل- و هو ما نقص عن الکرّ- ینجّس بملاقاهٔ النجاسهٔ له، سواء تغیّر أو لم یتغیّر، و قال- ابن أبی عقیل: «لا ینجس إلّا بتغیّره بالنجاسهٔ» و ساوی بینه و بین الکثیر و قال به مالک بن أنس من الجمهور. [راجع: بدایهٔ المجتهد، ج ۱، ص ۲۴؛ المغنی، ج ۱ ص ۵۴؛ الشرح الکبیر، ج ۱، ص ۵۳؛ و انظر: الفقه علی المذاهب الخمسهٔ، ص ۱۸ و ۱۹]

(۵)- انظر فی هذا المجال ما أفاده المحقّق الخواجوئی فی أربعون حدیثا (۴۵) و المحقّق التستری فی النجعهٔ (ج ۱، ص ۲۳).

أحکام المیاه، ص: ۵۹

الأخبار بالکرّ الذی فسّره فی بعضها «۱» و فی أخبار آخر بما سیأتی، و عبّر عنه فی بعضها بالقلّتین اللتین فسّرهما بالجرتین «۲»، و فی آخر بأنّه أکثر من راویهٔ «۳». «۴».

و یمکن إرجاعها إلی ما یوافق الکرّ بالتفسیر الذی سنذکره حسبما استفدناه من کلام أهل العصمهٔ- سلام اللّه علیهم- فنقول:

إنّ الکرّ فی معرفته طریقتان مأخوذتان من النصوص:

إحداهما باعتبار الوزن، و الأخری بملاحظهٔ المسامحهٔ.

و المشـهور جمعوا بین الأخبار فی کلّ واحدة من الطریقتین بما لا یمکن التوفیق بینهما فوقعوا فی وجه التوفیق فی إشکال عظیم [۹/] و حیث أنّهم قـدّروه باعتبار الوزن بألف و مأتی رطل بالعراقی، و بالمساحـة بما کان کلّ واحـد من طوله و عرضه و عمقه ثلاثة أشـبار و نصف و رأوا «۵» أنّ الوزنی «۶» منها ینقص عن المساحی دائما بما یصعب تطبیقهما

---

(۱)- کصحیحتی محمّد بن مسلم و معاویة بن عمّار، التهذیب، ج ۱، ص ۳۹ و ۴۰ ح ۱۰۷ و ۱۰۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۵۸، ح ۱ و ۲.

(۲)- کمرسلة عبد اللّه بن المغیرة، التهذیب، ج ۱، ص ۴۱۴، ح ۱۳۰۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۶، ح ۸.

(۳)- کصحیحة زرارة، التهذیب، ج ۱، ص ۴۱۲، ح ۱۲۹۸؛ الکافی ج ۳، ص ۲، ح ۳؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۱۳۹ و ۱۴۰، ح ۸ و ۹.

(۴)- و فی بعضهاب «الحب» کمرسلة

ابن مغیرة عن بعض أصـحابه عن الصـادق علیه السّـلام قـال: اللّه من المـاء نحـو حبی هـذا و أشـار إلی حب من الحبـاب الـتی تکـون بالمدینة؛

التهذیب، ج ۱، ص ۴۲، ح ۵۷.

(۵)- راجع فی هذا المجال ما أفاده الفقیه المحقق السیّد مصطفی الخمینی فی «تحریرات فی- الفقه» [کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۳۰۷- ۳۰۹] فإنّه قدّس سرّه قد بلغ الأقوال فی المسألة إلی السبعة مع ذکر أصحاب الأقوال.

(۶)- راجع: غنائم الأیّام، ج ۱، ص ۵۱۵- ۵۱۶ و مستمسک العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۵۸.

أحکام المیاه، ص: ۶۰

فوقعوا فی الإشـکال بأنّه لا داعی إلی هـذا التقـدیر المختلف بعد علمهم علیهم السّـلام بنقص الوزن عن المساحة دائما مع القدرة علی ضابط منطبق علیه، و أتی بعض الأعظام فی مقام بما یشمئز النفس من نقله، و الأولی أن نضرب عنه و التعرّض لما فیه صفحا.

و نقرّ تقدیر المساحی بما یقرب من الوزنی فیأتی التوفیق بینهما فنقول:

إنّ الإشـکال المذکورة نشأ من أخذ سـطح المساحی بشـکل المربع فیبلغ مکسره حینئذ إلی اثنین و أربعین شبرا و سبعة أثمان شبر «۱» فیکثر التفاوت حینئذ بینه و بین الوزنی بما یصـعب التطبیق، لکن ظاهر روایة حسن بن صالح أخذ السـطح بشـکل المستدیر، لأنّه فرض فیها الماء فی الرکی بمعنی البئر، و الآبار غالبا وضعها علی الاستدارة، لا علی المربع فحینئذ یقرب من الوزنی بما یأتی التوفیق بینهما.

هاهنا ختم مجلس الإفادة لما أصابتهم مصیبة من رحلة عمّهم الأکرم [۹/]

- أعلی اللّه درجاته إلی دار القرار «۲»- فاضطرّ لأجله الرجوع من بلدة قم إلی أصفهان

---

(۱)- و هی باعتبار ضرب الطول فی العرض فی العمق فیکون النتیجة هکذا:

۸/ ۷ ۴۲/ ۲/ ۱ ۳* ۲/ ۱ ۳* ۲/ ۱ ۳

(۲)- و هو آیة اللّه الحاج الشـیخ نور اللّه النجفی الأصـفهانی (۱۲۷۸- ۱۳۴۶ ق)؛ کـان فی الواقع أباً روحیا للثورة المشـروطیة بإیران و استشـهد بـأمر من «رضـا خـان البهلوی» مسـموما بقم و انتقـل جثمـانه إلی النجف الأشـرف و دفن هنـاک و ترجمته موجودة فی کتب التراجم و التواریخ، ذکره العلامة السیّد مصلح الدین المهدوی فی قریب من مائتی صفحة من کتابه «تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن أخیر»، ج ۲، ص ۹- ۱۹۸؛ و قد انتشـرت کتابات مسـتقلات بالفارسـیة فی ترجمته منها: «اندیشة سیاسـی و تاریخ نهضت بیدارگرانهی حاج آقا نور اللّه اصـفهانی» و «حاج آقا نور اللّه اصـفهانی، سـتارة اصـفهان» و «فرازی از زندگی سیاسی حاج آقا-- نور اللّه اصفهانی به روایت اسناد»، و أقیمت له حفل تأبینی بمناسبة مرور ثمانین عاما لاستشهاده بمدینة أصبهان فی یوم الاثنین، الثانی من

رجب المرجب ۱۴۲۶ [/ ۱۷ مرداد ۱۳۸۴]. راجع: شرح هداية المسترشدين، ص ۳۵- ۳۶.

أحكام المياه، ص: ۶۱

جزاهم اللّه عن الإسلام خيرا-

أقول: وجه قرب ما قرّره من المساحى بالوزنى أنّه بناء على ما أفاده- دام ظلّه- من أخذ السطح بشكل المستدير يفرض ثلاثة أشبار و نصف قطرا للدائرة «۱»، و القطر إذا ضرب فى ثلاث و سبع يحصل المحيط، فالمحيط حينئذ يكون أحد عشر شبرا «۲» فالقاعدة فى تعيين مساحة الدائرة «۳» أن يضرب نصف قطرها فى نصف محيطها فيكون مضروب الواحد و ثلاثة أرباع الواحد (/ نصف القطر)، فى الخمسة و النصف (/ نصف المحيط) تسعة أشبار و خمسة أثمان الشبر فهو مساحة سطح الدائرة فيضرب ذلك فى العمق ثلاثة أشبار و نصف فيكون الحاصل ثلاثة و ثلاثين شبرا و أحد عشر جزء من ستة و عشر جزء

---

(۱) لتفصيل هذه المحاسبات و الأشكال راجع ما أفاده الشيخ محمّد بهاء الملّة و الدين العاملى المعروف بالشيخ البهائى فى الحبل المتين، ج ۱، ص ۴۷۹ و ما بعدها.

(۲)- محيط الدائرة/ القطر* العدد «پى»

۱۱- ۹۹ /۱۰ /۱۴ /۳* ۳ /۵ ۳

هذا على القواعد المذكورة فى علم الهندسة، و لكن على ما ذكره المقرّر قدّس سرّه و هو

۹۵ /۱۲ /۷ /۳* ۳ /۵ ۳

و هذا العدد ينافى مع ما ينتجه قدّس سرّه من الحادى عشر؛ و الحاصل أنّ نتيجته صحيحة

(۳)- و أما مساحة الدائرة/ الشعاع [و هو نصف القطر]* نفسه* العدد «پى»

۶۱۶۲۵ /۹ /۱۴ /۳* ۱ /۷۵* ۱ /۷۵ ۱

و هذا العدد [/ ۶۱۶۲۵ /۹] يضرب فى العمق [/ ۵ /۳]

۶۵۶۸۷۵ /۳۳ /۵ /۳* ۹ /۶۱۶۲۵

فمقدار الكرّ من حيث المساحة/ ۶۵۶۸۷۵ /۳۳.

و هذا المقدار يعادل مع ما ذكره المقرّر تقريبا لا تحقيقا، و اللّه العالم.

أحكام المياه، ص: ۶۲

من الشبر «۱».

حرّره الأحقر أحمد الحسينى الزنجانى فى شهر رجب المرجّب عام ست و أربعين بعد ثلاثمائة و الألف ۱۳۴۶ ه

---

(۱)- كما أشار إليه الوحيد فى حاشية المدارك [ج ۱، ص ۹۷] بكلامه هذا «.. المعهود منه الدورى ... فيكون الحاصل منهما ثلاثة و ثلاثين شبرا و نصفا و ثمنا و نصف ثمن».

و تبعه فاضل النراقى فى المستند [ج ۱ ص ۶۳] و قال: «و الرابع بإمكان إرادة القطر من العرض، بل هو الظاهر لاستدارة الركى فيبلغ تكسيره ثلاثة و ثلاثين و نصف تقريبا».

أحكام المياه، ص: ۶۳

فهرست مصادر الرسالة و التقدمة «۱»

المصادر العربیة

۱- الاثنا عشریات الخمس، للشیخ البهائی، إعداد مسعود شکوهی، قم، إعجاز، ۱۴۲۳ ق.

۲- الأربعون حدیثا، للمحقق الخواجوئی، تحقیق السیّد مهدی الرجائی، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۲ ق.

۳- الاستبصار، للشیخ الطوسی، تحقیق السیّد حسن الموسوی الخرسان، الطبعة الرابعة، طهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۳ ش.

۴- أسئلة و أجوبة فقهیة، للشیخ منیر الدین البروجردی، تحقیق مهدی الباقری السیانی، ۱۳۸۶ ش «میراث حوزهی اصفهان» المجلّد الثالث.

۵- أعیان الشیعة، للسیّد محسن الأمین، إعداد السیّد حسن الأمین، الطبعة الخامسة، بیروت، دار التعارف، ۱۴۲۰ ق.

* ۶- بحار الأنوار، للعلّامة المجلسی، الطبعة الثانیة، بیروت، مؤسسة الوفاء ۱۴۰۳ ق.

۷- البدایة و النهایة، لابن أثیر، تحقیق علی شیری، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.

۸- تبصرة الفقهاء، للشیخ محمّد تقی الرازی النجفی الأصفهانی صاحب هدایة المسترشدین، تحقیق السیّد صادق الحسینی الإشکوری، قم، مجمع الذخائر الإسلامیة، ۱۴۲۷ ق.

۹- تحریر الأحکام الشرعیة، للعلّامة الحلّی، تحقیق ابراهیم البهادری، قم، مؤسسة الإمام الصادق علیه السّلام، ۱۴۲۰ ق.

* ۱۰- تذکرة الفقهاء، للعلّامة الحلّی، قم، مؤسسة آل البیت علیهم السّلام، ۱۴۱۴ ق.

---

(۱)- منابعی که دارای* است جزء منابع رسالة اللؤلؤ المکنون نیز می‌باشد.

أحکام المیاه، ص: ۶۴

۱۱- التنقیح الرائع، الفاضل المقداد، تحقیق عبد اللطیف الحسینی، قم، مکتبة السیّد المرعشی، ۱۴۰۴ ق.

* ۱۲- تهذیب الأحکام، للشیخ الطوسی، إعداد السیّد حسن الموسوی الخرسان، الطبعة الرابعة، طهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ ش.

۱۳- تهذیب المقال، للسیّد محمّد علی الموحّد الأبطحی، الطبعة الثانیة، قم، سیّد الشهداء علیه السّلام، ۱۴۱۷ قم.

* ۱۴- جامع المقاصد، للمحقّق الثانی، قم، مؤسسة آل البیت علیهم السّلام، ۱۴۰۸ قم.

* ۱۵- جواهر الکلام، للشیخ محمّد حسن النجفی، قم مؤسسة النشر الإسلامی ۱۴۱۷ ق.

* ۱۶- حاشیة إرشاد الأذهان، للمحقّق الثانی، تحقیق الشیخ محمّد الحسون، طهران، ۱۳۸۱ ش.

۱۷- الحاشیة علی مدارک الأحکام، للوحید البهبهانی، مشهد مؤسسة آل البیت علیهم السّلام، ۱۴۱۹ ق.

* ۱۸- الحبل المتین، للشیخ البهائی، تحقیق السیّد بلاسم الموسوی، مشهد، مکتبة الروضة الرضویة، ۱۴۲۴ ق.

* ۱۹- الحدائق الناضرة، للمحدّث البحرانی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۶۳ ش.

* ۲۰- حیاة المحقّق الکرکی و آثاره، للمحقّق الثانی، تحقیق الشیخ محمّد الحسون، طهران، احتجاج، ۱۳۸۱ ش.

۲۱- خلاصة الأقوال، للعلّامة الحلّی، تحقیق جواد القیّومی، قم، نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ ق.

۲۲- الدّرة النجفیّة، للعلّامة بحر العلوم النجفی، قم، مکتبة المفید، ۱۰۴۵ ق.

۲۳- ذخیرة المعاد، للمحقّق السبزواری، قم، افست مؤسسة آل البیت علیهم السّلام،

۲۴- الذریعة، للشیخ آقا بزرگ الطهرانی، الطبعة الثالثة، بیروت، دار الأضواء ۱۴۰۳ ق.

۲۵- ذکری الشیعة، للشهید الأوّل، قم، مؤسسة آل البیت علیهم السّلام، ۱۴۱۸ ق.

أحکام المیاه، ص: ۶۵

۲۶- رجال الطوسی، لشیخ الطائفة الطوسی، تحقیق جواد القیّومی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۵ ق.

* ۲۷- رجال النجاشی، لأبی العباس النجاشی، تحقیق السیّد موسی الشبیری الزنجانی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۷ ق.

۲۸- رسائل الشهید الثانی، للشیخ زین الدین العاملی، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۲۱ ق.

۲۹- رسالة فی عدم تنجیس المتنجّس، للشیخ محمد رضا النجفی الأصفهانی، تحقیق رحیم القاسمی، قم، ۱۴۲۶ ق؛ مجلة فقه أهل البیت علیه السّلام، الفارسیة، العدد ۴۴.

۳۰- الرعایة، للشهید الثانی، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۲۳ ق.

۳۱- الرواشح السماویة، للمیر الداماد، تحقیق نعمة اللّه الجلیلی و غلامحسین قیصریه‌ها، قم دار الحدیث، ۱۴۲۲ ق.

۳۲- روضات الجنّات فی أحوال العلماء و السادات، للسیّد محمّد باقر الخوانساری، تحقیق أسد اللّه إسماعیلیان، قم، إسماعیلیان، ۱۳۹۰ ق.

* ۳۳- الروضة البهیّة، للشهید الثانی، إعداد السیّد محمّد الکلانتر، الطبعة الثانیة، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

* ۳۴- روض الجنان، للشهید الثانی، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۲۲ ق.

۳۵- السرائر، لابن إدریس الحلّی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۳۶- سیر أعلام النبلاء للذهبی، الطبعة التاسعة، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.

۳۷- السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع، للشیخ محمد رضا النجفی الأصفهانی، تحقیق مجید هادی‌زاده، قم، مکتبة الأدبیة المختصّة، ۱۴۲۷ ق.

۳۸- شرح جمل العلم و العمل، للقاضی ابن برّاج، تحقیق کاظم مدیر شانه‌چی، مشهد، جامعة مشهد، ۱۳۵۲ ش.

۳۹- شرح هدایة المسترشدین، للشیخ محمّد باقر النجفی الأصفهانی، تحقیق مهدی الباقری السیانی، قم، عطر عترت، ۱۴۲۷ ق.

أحکام المیاه، ص: ۶۶

۴۰- علماء الأسرة، للسیّد محمّد باقر الخوانساری، طهران، مکتب القرآن، ۱۳۷۱ ش.

۴۱- غایة المراد، للشهید الأوّل، تحقیق رضا المختاری، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۴ ق.

۴۲- غنائم الأیّام، للمحقّق القمّی، قم، مکتب الإعلام الإسلامی ۱۴۱۷ ق.

۴۳- فرائد الأصول، للشیخ الأنصاری، الطبعة الخامسة، قم، مجمع دار الفکر الإسلامی، ۱۴۲۴ ق.

۴۴- فقه الإمامیة، للشیخ محمّد تقی آقا نجفی الأصفهانی، (الطبعة الحجریة) أصفهان ۱۲۹۹ ق.

۴۵- الفقه علی المذاهب الخمسة، للشیخ جواد المغنیة، الطبعة الخامسة، طهران مؤسسة الصادق، ۱۳۷۷ ش.

۴۶- الفهرست لمشاهیر و علماء زنجان، للشیخ موسی الزنجانی، إعداد السیّد حسین الجعفری الزنجانی، قم، آل عبا، ۱۳۸۰ ش.

۴۷- الفیض، للعلّامة الفیض القمّی، (الطبعة الحجریة)، ۱۳۶۹ ق.

۴۸- قاموس الرجال، للمحقّق التستری، الطبعة الثانیة، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۲۴ ق.

۴۹- قرب الإسناد، لعبد اللّه بن جعفر الحمیری، قم، مؤسسة آل البیت علیهم السّلام، ۱۴۱۳ ق.

۵۰- قواعد الأحکام، للعلّامة الحلّی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۳ ق.

* ۵۱- الکافی، لثقة الإسلام الکلینی، تحقیق علی أکبر الغفّاری، الطبعة الثامنة، طهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۵ ش.

۵۲- کتاب الطهارة، للإمام الخمینی، طهران، مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی، ۱۴۲۱ ق.

۵۳- کتاب الطهارة، للشیخ الأنصاری، إعداد لجنة التحقیق، قم، ۱۴۱۵ ق.

أحکام المیاه، ص: ۶۷

۵۴- کتاب الطهارة، للسیّد مصطفی الخمینی، طهران، مؤسسة تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی، ۱۴۱۸ ق.

۵۵- کشف الالتباس، للشیخ مفلح الصمیری، قم، مؤسسة صاحب الأمر (عج) ۱۴۱۷ ق.

۵۶- کشف الغطاء، للشیخ جعفر کاشف الغطاء، مشهد، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۲۲ ق.

* ۵۷- کشف اللثام، للفاضل الهندی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۶ ق.

* ۵۸- کفایة الأحکام، للمحقق السبزواری، تحقیق الشیخ مرتضی الواعظی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۲۳ ق.

* ۵۹- الکنی و الألقاب، للمحدّث القمی، الطبعة الخامسة، طهران، مکتبة الصدر، ۱۴۰۹ ق.

۶۰ لسان العرب، لابن منظور المصری، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.

۶۱- اللمعات النّیرة، للآخوند الخراسانی، تحقیق السیّد صالح المدرسی، قم، مرصاد، ۱۳۸۰ ش.

* ۶۲- المبسوط فی فقه الإمامیة، للشیخ الطوسی، طهران، مکتبة المرتضویة.

* ۶۳- مجمع الفائدة و البرهان، للمحقق الأردبیلی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۲ ق.

* ۶۴- مختلف الشیعة، للعلّامة الحلّی، الطبعة الثانیة، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۲۳ ق.

۶۵- مدارک الأحکام، للسیّد محمّد العاملی، قم، مؤسسة آل البیت علیهم السلام ۱۴۱۰ ق.

۶۶- المسائل، لعلّی بن جعفر العریضی، قم، مؤسسة آل البیت علیهم السّلام ۱۴۱۰ ق.

۶۷- المسائل الناصریات، للسیّد المرتضی، طهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الإسلامیة، ۱۴۱۷ ق.

۶۸- مسالک الأفهام، للشهید الثانی، الطبعة الثانیة، قم، مؤسسة المعارف الإسلامیة، ۱۴۲۱ ق.

* ۶۹- مستدرک الوسائل، للمحدّث النوری، قم، مؤسسة آل البیت علیهم السّلام ۱۴۰۸ ق.

۷۰- مستمسک العروة الوثقی، للسیّد محسن الحکیم، قم إسماعیلیان.

* ۷۱- مستند الشیعة، للفاضل النراقی، مشهد، مؤسسة آل البیت علیهم السّلام، ۱۴۱۵ ق.

أحکام المیاه، ص: ۶۸

۷۲- مصابیح الأحکام، للعلّامة بحر العلوم النجفی، تحقیق السیّد مهدی الطباطبائی و فخر الدین الصانعی، قم، فقه الثقلین، ۱۴۲۷ ق.

۷۳- مصابیح الظلام، للعلّامة الوحید البهبهانی، قم، مؤسسة الوحید البهبهانی، ۱۴۲۴ ق.

۷۴- مصباح الفقیه، للفقیه الهمدانی، قم، مؤسسة الجعفریة، ۱۴۱۷ ق.

۷۵- المصباح المنیر، للفیومی، قم، دار الهجرة ۱۰۴۵ ق.

۷۶- مصفی المقال، للشیخ آقا بزرگ الطهرانی، إعداد أحمد المنزوی، طهران، ۱۳۷۸ ق.

۷۷- المعتبر، للمحقّق الحلّی، قم، مؤسسة سیّد الشهداء علیه السّلام ۱۳۶۴ ق.

* ۷۸- معجم رجال الحدیث، للمحقّق الخوئی، قم، آثار الشیعة، ۱۴۱۳ ق.

۷۹- المغنی، لابن قدامة، بیروت، دار الکتاب العربی.

* ۸۰- مفاتیح الشرائع، للفیض الکاشانی، تحقیق السیّد مهدی الرجائی، قم، مجمع الذخائر الإسلامیة، ۱۴۱۰ ق.

* ۸۱- مفتاح الکرامة للسیّد جواد العاملی، تحقیق الشیخ محمّد باقر الخالصی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۱۹ ق.

۸۲- منتقد المنافع، للمولی حبیب اللّه الکاشانی، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۲۶ ق.

* ۸۳- منتهی المطلب، للعلّامة الحلّی، مشهد، مکتبة الروضة الرضویة، ۱۴۱۲ ق.

۸۴- من لا یحضره الفقیه (کتاب من لا یحضره الفقیه)، للشیخ الصدوق تحقیق علی أکبر الغفّاری، الطبعة الثانیة، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۸۵- المواهب السنيّة فی شرح الدّرة النجفية، للسيّد محمود الطباطبائی البروجردی، طهران، (الطبعة الحجرية)، ۱۲۱۸ ق.

* ۸۶- الموسوعة الرجالية الميسّرة، لعلیّ أكبر الترابی، الطبعة الثانية، قم، مؤسسة الإمام الصادق عليه السّلام، ۱۴۲۴ ق.

۸۷- موسوعة مؤلفی الإمامية، قم، مجمع الفكر الإسلامی، ۱۴۱۲ ق.

۸۸- النجعة فی شرح اللمعة، للمحقّق التستری، طهران، مكتبة الصدوق، ۱۳۶۴ ش.

أحكام المياه، ص: ۶۹

۸۹- نجعة المرتاد، للشيخ محمّد رضا النجفی الأصفهانی، تحقيق رحيم القاسمی، ۱۳۸۳ ش، «ميراث حوزه‌ی اصفهان» المجلّد الأوّل.

۹۰- نقباء البشر، للشيخ آقا بزرگ الطهرانی، مشهد، دار المرتضی، ۱۴۰۴ ق.

۹۱- نهاية الإحكام، للعلّامة الحلّی، تحقيق السيّد مهدی الرجائی، الطبعة الثانية، قم إسماعيليان، ۱۴۱۰ ق.

۹۲- الوافی، للفيض الكاشانی، أصفهان، مكتبة الإمام أمير المؤمنين عليه السّلام، ۱۴۱۲ ق.

۹۳- وسائل الشيعة إلی تحصيل مسائل الشريعة، للسيّد محسن الكاظمی البغدادی، طهران، مكتبة المصطفوی، ۱۳۶۴ ش.

* ۹۴- وسائل الشيعة إلی تحصيل مسائل الشريعة، للشيخ حرّ العاملی، الطبعة الثالثة، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السّلام، ۱۴۱۶ ق.

۹۵- وفيات الأعيان، لابن خلّكان، تحقيق إحسان عبّاس، بيروت، دار الصادر.

۹۶- هدية الرازی إلی الإمام المجدّد الشيرازی، للشيخ آقا بزرگ الطهرانی، طهران، مكتبة الميقات، ۱۴۰۳ ق.

۹۷- ينابيع الأحكام، للسيّد علی الموسوی القزوينی، تحقيق السيّد علی العلوی، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۲۴ ق.

المصادر الفارسية

۹۸- آشنائی با چند نسخهٔ خطی، للسيّد المدرسی و الشيخ رضا الأستادی، قم، مكتبة مهر، ۱۳۹۶ ق.

۹۹- اربعين حديث، للإمام الخمينی، طهران، مؤسسة تنظيم و نشر آثار الإمام الخمينی، الطبعة السادسة، ۱۳۷۴ ش.

۱۰۰- تاريخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخير، للسيّد مصلح الدين المهدوی، قم، الهداية ۱۳۶۷ ش.

أحكام المياه، ص: ۷۰

۱۰۱- تربت پاكان قم، لعبد الحسين جواهر كلام، قم، انصاريان ۱۴۲۴ ق.

۱۰۲- رساله أمجديه، للشيخ محمّد رضا النجفی الأصفهانی، تحقيق الشيخ هادی النجفی، طهران، حروفيه، ۱۴۲۴ ق.

۱۰۳- رساله صلاتيه، للشيخ محمد تقی الرازی النجفی الأصفهانی، تحقيق مهدی الباقری السيانی، قم، ذوی القربی، ۱۳۱۸۱ ش.

۱۰۴- قبيلهٔ عالمان دين، للشيخ هادی النجفی، قم، عسكريهٔ، ۱۴۲۳ ق.

۱۰۵- كنز الحساب فی شرح خلاصة الحساب، لفرهاد ميرزا، اصفهان، مكتبة الشفيعی (الطبعة الحجرية).

* ۱۰۶- گلشن اهل سلوك، للشيخ رحيم القاسمی، اصفهان، كانون پژوهش، ۱۳۸۵ ش.

۱۰۷- ميراث حوزهٔ اصفهان، سنويهٔ، تصدر فی أصفهان، العدد ۱ و ۳، سنه ۱۳۸۴ و ۱۳۸۶.

المجلّات

۱۰۸- آينهٔ پژوهش: فارسيهٔ، تصدر كلّ شهرين من مركز الأبحاث و الدراسات الإسلامية القم المقدّسة، العدد ۱۰۱، ۱۳۸۵ ش.

۱۰۹- حوزهٔ: فارسيهٔ: تصدر كلّ شهرين من مدينة قم المقدّسة، العدد ۳۲ سنهٔ ۱۳۶۷ ش.

۱۱۰- فقه: فارسيهٔ: فصليّهٔ، تصدر بمدينة قم المقدّسة، العدد ۴۴، سنهٔ ۱۳۸۴ ش.

۱۱۱- نور علم، فارسيهٔ فصليهٔ، تصدر فی مدينة قم المقدّسة، العدد ۲۶، سنهٔ ۱۳۶۷ ش.

اصـفهانى، محمـد رضا، آقا نجفى، أحكام المياه، در يک جلـد، انتشارات مركز تحقيقات رايانهاى حوزه علميه اصـفهان، اصـفهان - ايران، اول، ١۴٢٩ ه ق

تعريف مركز

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فى سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (التوبة/٤١).

قالَ الإمامُ علىّ ُبنُ موسَى الرِّضا – علَيهِ السَّلامُ: رَحِمَ اللّهُ عَبْداً أحْيَا أمْرَنَا... َ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا... (بَنـادِرُ البِحـار – فى تلخيص بحـار الأنـوار، للعلاّمـة فيض الاسـلام، ص ١٥٩؛ عُيونُ أخبارِ الرِّضا(ع)، الشَّيخ الصَّدوق، الباب٢٨، ج١/ ص٣٠٧).

مؤسّس مُجتمَع " القائميّة "الثّقافىّ بأصبَهانَ – إيرانَ: الشهيد آية الله" الشمس آباذى – "رَحِمَهُ اللّهُ – كان أحداً من جَهابذة هذه المدينة، الذى قدِ اشتهَرَ بشَغَفِهِ بأهل بَيت النبىّ (صلواتُ اللهِ علَيهِم) و لاسيَّما بحضرة الإمام علىّ بن موسَى الرِّضا (عليه السّلام) و بساحة صاحِب الزّمان (عَجَّلَ اللّهُ تعالى فرجَهُ الشَّريفَ)؛ و لهذا أسّس مع نظره و درايته، فى سَنةِ ١٣۴٠ الهجريّة الشمسيّة (=١٣٨٠ الهجريّة القمريّة)، مؤسَّسةً و طريقةً لم يَنطَفِئ مِصباحُها، بل تُتَّبَع بأقوَى و أحسَنِ مَوقِفٍ كلَّ يوم.

مركز" القائميّة "للتحرِّى الحاسوبىّ – بأصبَهانَ، إيرانَ – قد ابتدَأَ أنشِطتَهُ من سَنةِ ١٣٨٥ الهجريّة الشمسيّة (=١۴٢٧ الهجريّة القمريّة) تحتَ عناية سماحة آية الله الحاجّ السيّد حسن الإمامىّ – دامَ عِزّهُ – و مع مساعَدَةِ جمعٍ من خِرّيجى الحوزات العلميّة و طلاب الجوامع، بالليل و النهار، فى مجالاتٍ شتّى: دينيّة، ثقافيّة و علميّة...

الأهداف: الدّفاع عن ساحة الشيعة و تبسيط ثَقافة الثَّقَلَين (كتاب الله و اهل البيت عليهِمُ السَّلامُ) و معارفهما، تعزيز دوافع الشَّباب و عموم الناس إلى التَّحَرِّى الأدَقّ للمسائل الدّينيّة، تخليف المطالب النّافعة – مكانَ البَلاتيثِ المبتذلة أو الرّديئة – فى المحاميل (=الهواتف المنقولة) و الحواسيب (=الأجهزة الكمبيوتريّة)، تمهيد أرضيّةٍ واسعةٍ جامعةٍ ثَقافيّةٍ على أساس معارف القرآن و أهل البيت –عليهم السّلام – بباعث نشر المعارف، خدمات للمحققين و الطّلاّب، توسعة ثقافة القراءة و إغناء أوقات فراغة هُواةِ برامِجِ العلوم الإسلاميّة، إنالة المنابع اللازمة لتسهيل رفع الإبهام و الشُّبُهات المنتشرة فى الجامعة، و...

- مِنها العَدالة الاجتماعيّة: التى يُمكِن نشرها و بثّها بالأجهزة الحديثة متصاعدةً، على أنّه يُمكِن تسريعُ إبراز المَرافِق و التسهيلاتِ – فى آكناف البلد - و نشرِ الثّقافةِ الاسلاميّة و الإيرانيّة – فى أنحاء العالَم - مِن جهةٍ اُخرَى.

- من الأنشطة الواسعة للمركز:

الف) طبع و نشر عشراتِ عنوانِ كتبٍ، كتيبة، نشرة شهريّة، مع إقامة مسابقات القِراءة

ب) إنتاجُ مئات أجهزةٍ تحقيقيّة و مكتبية، قابلة للتشغيل فى الحاسوب و المحمول

ج) إنتاج المَعارض ثّلاثيّةِ الأبعاد، المنظر الشامل (= بانوراما)، الرّسوم المتحرّكة و... الأماكن الدينيّة، السياحيّة و...

د) إبداع الموقع الانترنتى" القائميّة "www.Ghaemiyeh.com و عدّة مَواقِعَ اُخرَ

ه) إنتاج المُنتَجات العرضيّة، الخَطابات و... للعرض فى القنوات القمريّة

و) الإطلاق و الدَّعم العلمىّ لنظام إجابة الأسئلة الشرعيّة، الاخلاقيّة و الاعتقاديّة (الهاتف: ٠٠٩٨٣١١٢٣٥٠٥٢۴)

ز) ترسيم النظام التلقائىّ و اليدوىّ للبلوتوث، ويب كشك، و الرّسائل القصيرة SMS

ح) التعاون الفخرىّ مع عشراتِ مراكزَ طبيعيّة و اعتباريّة، منها بيوت الآيات العِظام، الحوزات العلميّة، الجوامع، الأماكن الدينيّة كمسجد

جَمكرانَ و...

ط) إقامة المؤتمَرات، و تنفيذ مشروع "ما قبلَ المدرسة "الخاصّ بالأطفال و الأحداث المُشارِكين فى الجلسة

ى) إقامة دورات تعليميّة عموميّة و دورات تربية المربّى (حضوراً و افتراضاً) طيلة السَّنَة

المكتب الرّئيسىّ: إيران/أصبهان/ شارع "مسجد سيّد/ "ما بينَ شارع "پنج رَمَضان "ومُفترَق "وفائى/"بناية "القائميّة "

تاريخ التأسيس: ۱۳۸۵ الهجريّة الشمسيّة (=۱۴۲۷ الهجرية القمريّة)

رقم التسجيل: ۲۳۷۳

الهويّة الوطنيّة: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

الموقع: www.ghaemiyeh.com

البريد الالكترونى: Info@ghaemiyeh.com

المَتجَر الانترنتى: www.eslamshop.com

الهاتف: ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۰۹۸۳۱۱)

الفاكس: ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱)

مكتب طهرانَ ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱)

التِّجاريّة و المَبيعات ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور المستخدمين ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

ملاحَظة هامّة:

الميزانيّة الحاليّة لهذا المركز، شـَعبيّة، تبرّعيّة، غير حكوميّة، و غير ربحيّة، اقتُنِيت باهتمام جمع من الخيّرين؛ لكنّها لا تُوافِى الحجمَ المتزايد و المتّسِعَ للامور الدّينيّة و العلميّة الحاليّة و مشاريع التوسعة الثّقافيّة؛ لهذا فقد ترجّى هذا المركزُ صاحِبَ هذا البيتِ (المُسمَّى بالقائميّة) و مع ذلك، يرجو مِن جانب سماحة بقيّة الله الأعظم (عَجَّلَ اللهُ تعالى فرَجَهُ الشَّريفَ) أن يُوفِّقَ الكلَّ توفيقاً متزائداً لِإعانتهم – فى حدّ التّمكّن لكلّ احدٍ منهم – إيّانا فى هذا الأمر العظيم؛ إن شاءَ اللهُ تعالى؛ و اللهُ ولىّ التوفيق.


مرکز القائمیه اصفهان
للبحوث والتحریات الکمبیوتریه
للحصول على المكتبات الخاصه الاخرى
ارجعوا الى عنوان المـركز من فضلـكم
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
و للايصاء من فضلكم
٠٩١٣ ٢٠٠٠ ١٠٩